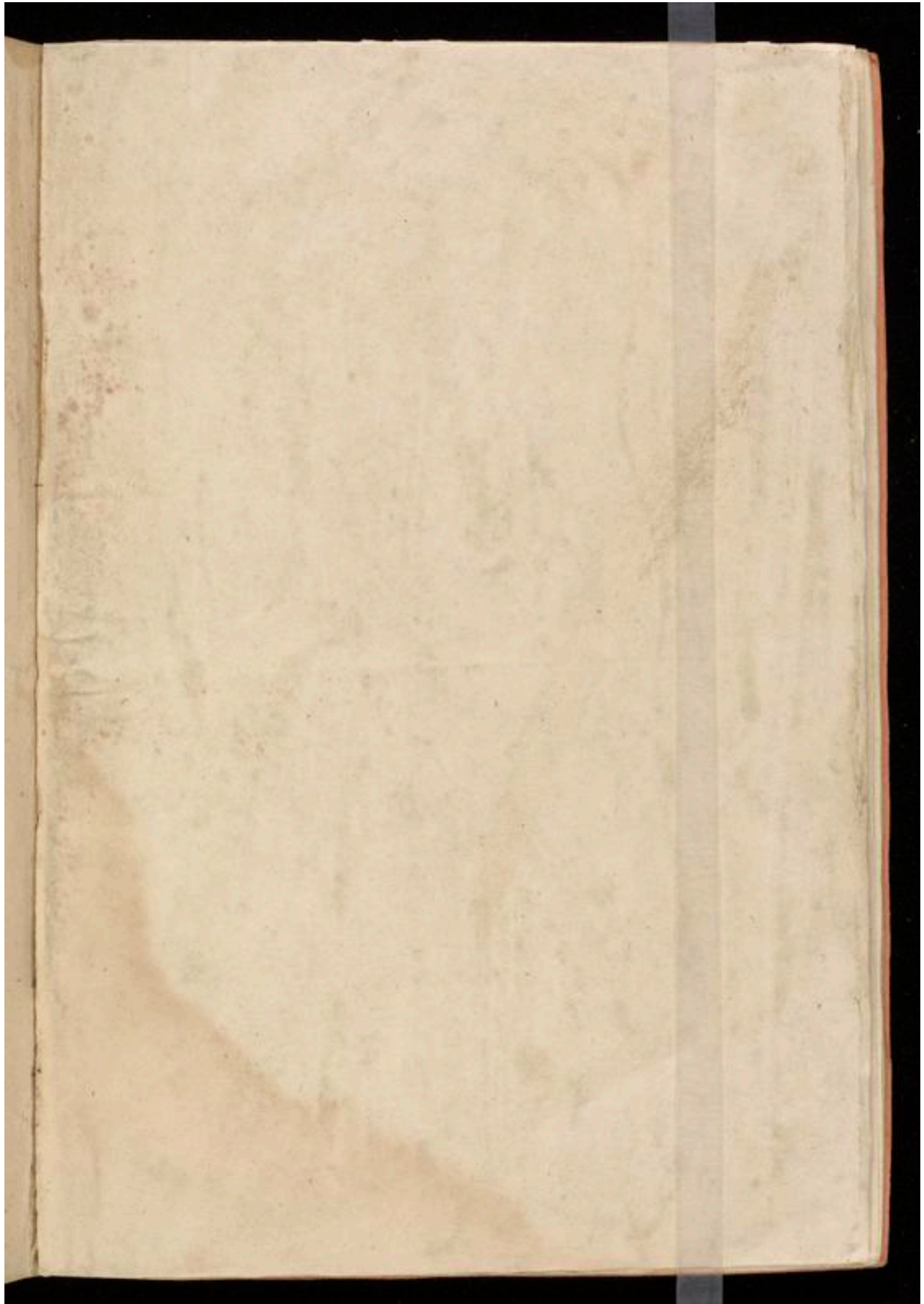


محرر و ناشر: فضل احمد افغان  
۳۵۰

# يادداشت يك مسافر

Ketabton.com

۱۳۳۸  
برلين - ۱۹۲۹



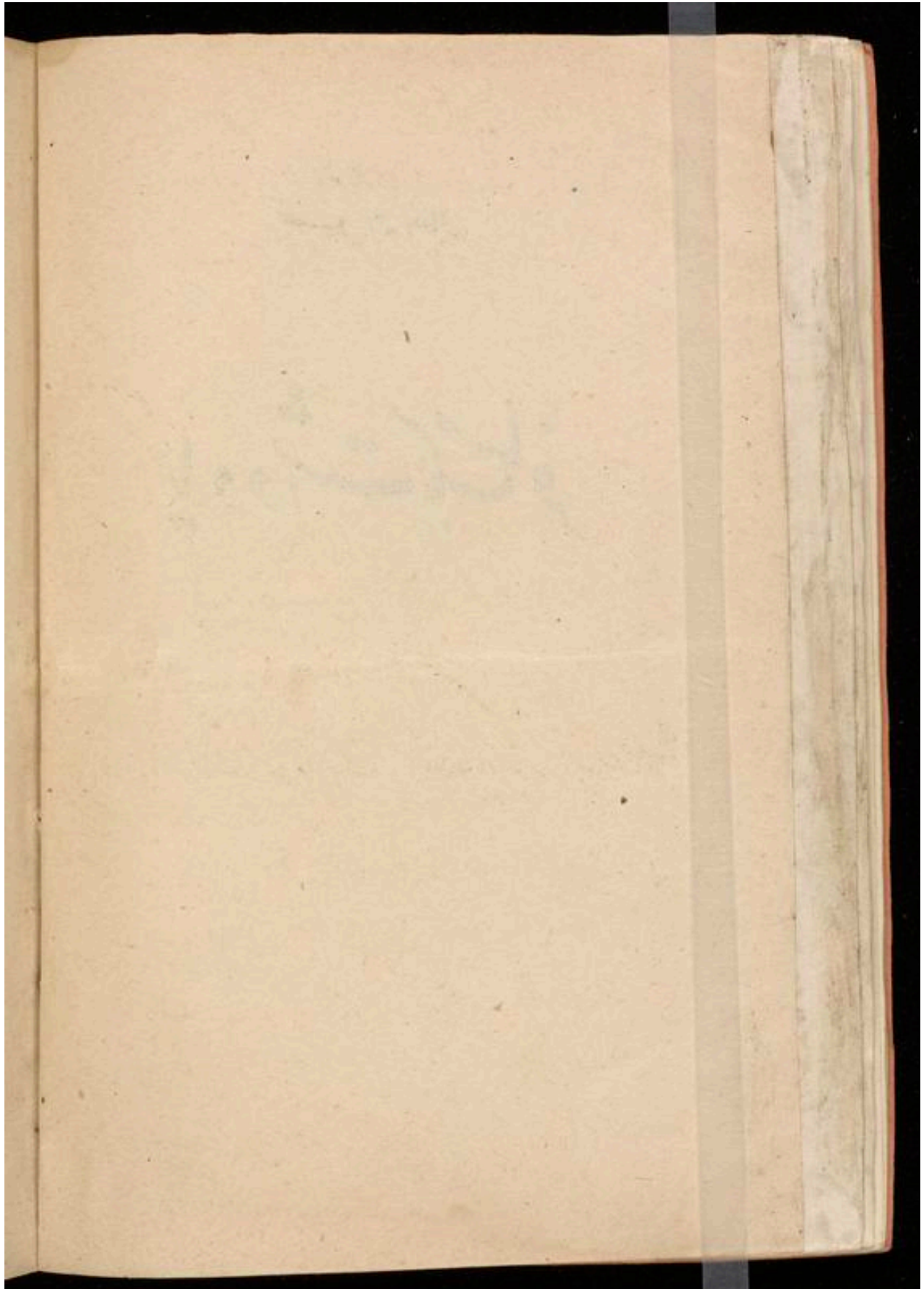


ناشر و محرر:  
فضل احمد افغان

# یادداشت یک مسافر

در باره سرگذشت مردم تاجیک، انقلاب اوکتابر و جمهوریت یوگوستا

مجله دانشنامه  
۱۳۱۱





## یک چند سخن از طرف نویسنده

سی سال پیش از این من از مملکت خود از افغانستان  
 بخاک تورکستان روی هجرت کردم سالهای دراز در شهرهای  
 بخارا سمرقند خوقند و حصار شادمان زندگانی کردم.  
 در این مدت تبدلات عجیبی در این مملکت روی داد باشندگان  
 این سرزمین بسیار روزهای تاریخی عبرت انگیز را از سر خود گذرانیدند  
 اگر بادیة وقت و عبرت در سرگذشت این مردم نگه کنیم چیزها چنان  
 که آموختن و عبرت گرفتن ممکن است در آن بسیار است.  
 معلوم است که طرز زندگانی، محیط اجتماعی و وطن من حتی ایران  
 و هندوستان هم با حالت پیش از انقلاب این مردم خیلی  
 مشابهت و یکپارگی دارد.  
 معلوم است که گروهی از باشندگان مردم ایران افغانستان  
 و هندوستان هم در راه آزادی و ترقی وطن خود کار میکنند

راه های سنجید، در مانع ها و مشکل های رود برود میباید که مردم تورکستان  
این همه را از سر خود گذرانیده اند، برای این با آن احوال از سر  
گذشت تاریخی، خاطره های تاریخی شماریده میشود.

معلوم است که، مردم ایران افغانستان و هندوستان  
از زندگی مملکت شورایی آنچه راست و حقیقت است کمتر شنیده اند  
هر چه شنیده اند خوانده اند از زبان اهل غرض شنیده اند  
از قلم اهل غرض خوانده اند.

من لازم دانستم که، برادران هموطن و هم زبان خود را،  
از حقیقت حال و گذارش زندگانی مردم این مملکت خالصانه  
آگاهی و هم، آنچه دیده ام و از احوال این مملکت آنچه دانستم  
بازبان ساده و روان بآنها برسانم.

در این رساله سرگذشت مردم جمهوریت شورایی تاجیکستان را  
خواهم نوشت؛ تصویر نمودن سرگذشت تاجیکان را از آن جهت  
اختیار نمودم که، این جمهوریت بوطن من نزدیکتر است مردم  
تاجیک با ما هم نژاد و هم زبان اند، آشنائی و شناسائی



ما با تاجیکان تاجیکستان چون آشنائی دو برادری است؛  
 که دیرگاه از یکدیگر دور افتاده، باز یکدیگر را یافته اند  
 آب اگر صد پاره گردد باز با هم آشناست.

جمهوریت هم زبان ما تاجیکستان با دولت های افغانستان  
 و خطای همسایه و هم حدود است، کوهستان به خشان حکمتیان  
 با آنکه فاصله بچاک هند میرسد. قسم جنوبی تاجیکستان که  
 ولایت های حصارشادمان، قبادیان، قورغان تپه، کولاب،  
 قرانگین را شامل است، در زمان گذشته حصه های جنوب شرقی  
 امارت بخارا را تشکیل مینمود

قسم شمالی تاجیکستان عبارت است از ولایت های خجند، اوراتس  
 سنجکت، که جز تاجیکستان روسی و تابع حکومت امپراطوری روس  
 بود.

مردم جمهوریت تاجیکستان دوره های حکومت امارت بخارا و  
 حاکمیت امپراطوری روس را از سر خود گذرانیده اند؛ در این سر  
 زمین مبارزه های خونین انقلاب و عکس انقلاب دیرگاه دوام نمود.

این مردم در راه انقلاب و آزادی خود مبارزه ها کردند ؛  
سخنهای کشیدند ، آخر بمطرفیت رسیدند حاکمیت شورایی  
رنجبری خود را بر پا کردند .

رنجبران تاجیکستان در مدت اندک به کامیابی های خیلی  
بزرگ اقتصادی مدنی و سیاسی رسیدند در مدت پنج سال  
آخری زندگی جمهوری تاجیکستان آنقدر تغییر یافته است  
که بدون انقلاب این مرحله را به صد سال طی کردن و گذشتن  
شان ممکن نبود .

برای عبرت و آگاهی خوانندگان دوره های سرگذشت  
مردم تاجیکستان را بقسم های علیحدہ تقسیم مینمایم و هر یک  
را جداگانه بطریق اختصار عرض میکنیم .



## اصول حاکمیت امیران بخارا و زندگانی رعیت در آن زمان

از یک میلیون نفوس جمهوریت تاجیکستان قریب شش صد هزار کس در زمان گذشته در زیر حکومت امیران بخارا زندگانی میکردند.

بواسطه حاکم هائی ولایت ها، قاضی ها، رئیس ها، املاک ها، میر شیب ها، امیر حاکمیت خود را اجرا مینمود؛ و بواسطه این تشکیلات حکومتی، از حاصل پنج دهمی مردم با رسم و رسم خراج املاک، زکات و غیره هر چیزی که گرفتن ممکن بود میگرفت، در راه آبادی ترقی اقتصادی و مدنی این سرزمین از آن مدخل، هیچ یک خرجی نمیکرد.

قسم بسیار زمین های کشت مملکت را «املاک»، «مملکه سلطانی» نام نهاده ملک امیر میشماریدند. اگر زمین آبیاری شده باشد پنج یک، اگر کشت للمی با آب باران کشته شده باشد ده یک حاصل را حق خزینه امیر قرار میدادند. اما این قاعده



پنج یک دوده یک بنام بود . در حقیقت نصف دگاها بیش از  
 نصف حاصل دهمقان رنجبر را املاکدار با نامورهای امیر میگفتند  
 حاصل کشت هر یک دهمقان را جداگانه تخمین میکردند هر جا  
 که ده من حاصل است بست من و سی من تخمین میکردند  
 و از روی آن تخمین و قرار ناحق حصه خراج را می طلبیدند  
 و میگفتند .

بعضا خراج املاک چند خانواده دهمقان امیر یا حاکم ولایت به یکی  
 از منصب داران یا ملا یا شیخ می بخشید و حواله مینمود که خود  
 او بی واسطه استفاده نماید نام آن بخشش را تنخواه  
 میگفتند صاحب تنخواه هر قدر که میتوانست از حاصل دهمقان  
 زیاده تر میگرفت دهمقان و عائله او را چون غلام و کنیز کار میفرستاد  
 شکایت و دادخواهی دهمقان را کسی نمیبوسید .

در جمع آوری خراج ۱۰ املاک و زکات و دیگر مالیات  
 غیر از نامورهای رسمی امیر زمینداران و مال چار با داران کلان  
 مردم دولتمند صاحب نفوذ همراهی میکردند هر کس که ناتوان تراست



از او بسیار تر میگردند، هر کس که توانا و صاحب اعتبار است  
از او کمتر میگردند.

در نتیجه این اصول - البیات فقر و فاقه رعیت سال از سال  
زیاده تر و سخت تر میگرددید برای ادا نمودن مالیات طاقت  
فرسافر و خشن زمین با خانه باحتی زن و فرزند رعیت فقیر چون یک  
امر حادی شماریده همیشه هیچ کس در این باره تعجب نمیکرد.

از سبب گرانی خراج و تنگی زندگانی بسیار دهقانها  
مجبور میگرددیدند که از دولتندان شهر و دهه قرض بگیرند تنزیل بسیار  
دهند، در اثر گرانی خراج و تنزیل دادن بسیار ناچار زمین با  
خانه های خود را بصاحب دولتان شهر و دهه میفروختند. باین  
راه بهترین زمین های مملکت بدست دولتندان شهر و دهه جمع  
هیگردید و شمار و دهقان بی زمین سال از سال میافزود.

قاضیها هیچ یک مرافعه را بدون گرفتن رشوت باختر نمیرسانیدند  
میزان حق و عدالت اندازه رشوت بود هر کس که بسیار تر رشوت  
بدهد حکم بجانب او قرار می یافت.



هرگاه دو کس یکی دولتمند دیگر فقیر یکی صاحب اعتبار دیگر رعیت  
بی اعتبار در نزد قاضی میآیند حکم در فایده دولتمند صاحب اعتبار  
قرار می یافت عرض دود و فقیر بی اعتبار بجای نمی رسید.  
میر شب ها که گویا کفیل و مقصدی امنیت و انتظام مملکت بودند  
همه ویرانی و فساد را راهبر بودند.

جوانهای امد، فاحشه های مشهور دزد های نامی را چون جز  
تشکیلات اداره خود نگه میداشتند از آنها استفاده میکرد  
قمارخانه در تحت حمایت میر شب ها بودند.

فاحشه ها و جوانهای امد را با شهادت نامه های مخصوص در مجلس  
های عیش و عشرت میفرستادند باندازه حسن و جمال آنها از  
صاحب بزم مبلغ معینی میگرفتند.

جایگاهی که برای ایستادن نائب های میر شب ها تأسیس  
یافته بود « پای طوق » یا جای با امنیت قمار بازها بود، در « پای طوق »  
ها شبها در روز با قمار می باختند؛ از بردها میر شب حصه معینی  
میدادند. دزد های نامی شهرها و دهها نیز در حمایت میر شبها بود.



از کار آنها میرشب با حصه می گرفتند . هرگاه دزد ، خانه را غارت  
 کند صاحب خانه بمیرشب مراجعت نماید ، میرشب از قریبان  
 و خویشاوندان صاحب خانه چندی را بدزدی متهم میکند ، بچس  
 میگرفت آخر صاحب خانه مبلغ بسیاری بمیرشب میداد آن  
 بیگناهان را از چنگ میرشب خلاص میکرد ، دزدان حقیقی با آزادی  
 به کار خود دوام مینمودند .

حاکم های ولایتها هر سال یک بار حساب ولایت را بپیر  
 تقدیم میکردند چیزی که وابسته به زندگانی مردم ولایت است  
 از حاکمان ، بیج نمی پرسیدند .

ترقی خواهی و دهمقانی درستی راه با تعم معارف تندرستی  
 عامه این همه جمله بایی است که در دربار امیر کسی نمی پرسید ؛  
 کسی نمی شنید . حساب رسمی حاکم های ولایتها تنها از یک  
 مسئله عبارت بود . « حاکم ولایت ، از درآمد سالانه ولایت  
 بامیر چه مبلغ و چه قدر پول آورده است . »

هر مبلغی که حاکم ولایت تقدیم مینماید ، باید از آن مبلغی که حاکم



سابق چون درآمد سالانه ولایت با میر داده بود بیشتر باشد  
کمی حاصل خشک سالی بی آبی آمدن گشت با در نظر اعتبار  
گرفته نمی شد.

هیچ یک از مأمورهای حکومت میر از خزینه همیشه معاش و  
ماهیانہ نمی گرفتند. هر که ام درآمد خود را از رعیت از فقرا  
می ستانیدند. هر یک از مأمورهای که پنصبی میرسیدند مثلاً  
حاکم با. املاکدارها. قاضیها. رئیس با. میرش با. مفتیها با  
تخف با تقدیم میکردند. هر یک بانزله منصب خود با میر مبلغی میدادند  
این همه حکام و مأمورین دولت و علماء کرام نوبت بنوبت دختر با  
پسرهای امرد خود را چون تخف غلامی با میر تقدیم مینمودند. حتی از  
تقدیم نمودن زینهای خود نیز با نمیکردند.

برای تعیین نمودن حاکم با. قاضیها. مفتیها و دیگر مأمورهای دولتی  
علم و لیاقت. آنها در نظر اعتبار گرفته نمی شد. تقدیم نمودن دختر  
و پسرهای صاحب جمال از بزرگترین لیاقت با محسوب بود. هر کس که  
در این کار پیش قدم بود. منصب و درجه بلندتر با صاحب بود.



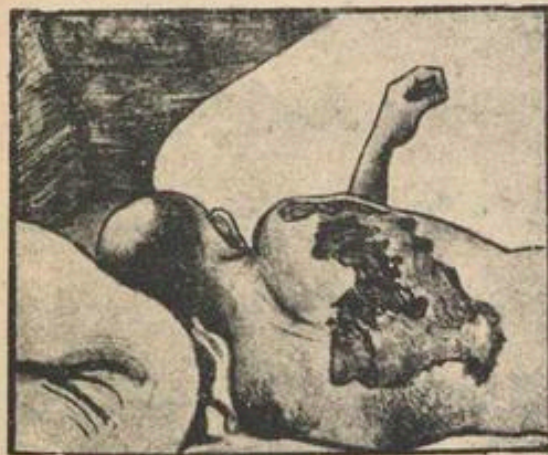
بسیاری از علمای دین و نامورین دولت با همین راه به رجب  
های بلند میرسیدند.

برای بمنصب های بلند رسیدن ناموران دولت در بسیار  
جایها زنها دختر، پسرهای رعیت را بزور می گرفتند، با تقدیم  
میکردند، نه امیرنه حاکمان ولایت با قدره ظلم و بیداد ناموران  
دولت شکایت رعیت را نمی شنیدند و ادخواهان را باغواگرد  
فساد پیشه شماریده با ضرب دولت اند در بار خود میرانند.

علمای دین هم با حکومت داران امیر جز یک بدن بودند. و  
سایه حمایت امیر موقع اقتصادی علمای دین، نیکو تأمین میگردد.  
بسیار زمین های زراعت، بازارها، دوکان ها، سرای ها، حمامها  
ملک اوقاف بود. آنهمه درآمد بعلمای دین میرسید. قسم مهم  
حاصل زمین های اوقاف را با باری ناموران امیر علمای دین میگرفتند.  
امیر و نامورانش به راه دو سینه داخل علماء را میافزودند.  
خیلی منصب های پردرآمد بزمرة علماء تخصیص گردیده بود. رشته  
همه منصب و تعیین با دست امیر تمرکز یافته بود. حتی تعیین کردن



مؤذنها، امامهای محله ها، محوره خوان های سر قبرها وابسته برضای  
 امیر بود. از علمای دین هر یک که رضا و خوشنودی امیر را دریا به منصب  
 پر درآمد نصیب او بود. قاضیگی شهر بخارا که سالانه پنج صد هزار روبل  
 طلا درآمد داشت، قاضیگی چارجوی و قرشی که هر یک صد هزار روبل  
 سالانه درآمد داشت. از جمله منصب هایی بود که بزمه علماء تخصیص گردید  
 علی خود را شریک دولت و خزینه امیر میدانستند، از درآمد امیر بهره مند میگرفتند  
 بنابراین همه کار و فعال امیر و امور آن را موافق شریعت و فرموده خدا و رسول میگفتند  
 نمونه از وحشایت های امیر بخارا



یکی از آنهایی که بمقابل استبداد امیر قیام نمودند و جلادان امیر در این  
 حال رسانیدند و از جان شیرینش جدا کردند.



بخلاف امیر و حکومت او چیزی گوید او را بدین و کافر میثما ریند.  
حکومت امیر زمره علما را چون یک تشکیلات منظم تبلیغات  
تشویقات در بین عامه مردم استفاده مینمود.

در آن زمان فاسق ترین مردم علمای دین بودند؛ مدرسه ها جای  
شراب خوری، جوان بازی، فاحشه بازی بود. ملا بچه های فقیر  
و ناتوان که از سبب های حقیقی بمنصب رسیدن بی خبر بودند  
و از آن رذالت های دربارین دور بودند، هر قدر که میخواهند  
میدانستند بجای نیر رسیدند و منصبی را صاحب نمیکردیدند.  
ناچار خواندن را ترک میکردند.

آخر کار بجای رسید که اعتبار دانستن و صاحب علم بودن  
از میان رفت؛ بسیار مفتی ها، قاضیها، حاکمهای ولایت با تمام  
بی سواد بودند.

در نتیجه این اساس و اصول حکومت داری بدست نامورهای  
دولتی و علمای دین مبلغ های کلان جمع شد. بهترین زمینها،  
باغها، مراعی ها، دوکانهای مملکت ملک امرا و علما بود، این



دو زمره دولتمندترین صنف مملکت بودند .

بعد از جنگ آخری در ۱۲۸۵ هجری در بین حکومت امپراطوری روس  
 و امیر مظفر و تابع شدن بخارا بروسیه در رسیدن راه آهن در بخارا  
 کار تجارت بین روسیه و بخارا بازودی ترقی کرد . امیر امراد علما  
 بواسطه تجار با نیز تجارت میکردند . بسیاری از تجار بائی بخارا  
 با سرمایه امراد علما کار میکردند و با آنها قریب بودند .  
 تسلط روسیه امپراطوری زندگانی بهنجبران بخارا را پریشان ترکرد  
 چونکه امیران بخارا بطریق تحفه ، هدیه هر سال بدربار پادشاه روس  
 و مأموران او مبلغ های کلی تقدیم مینمودند ، آنهمه را نیز از رعیت  
 می ستانیدند ، زندگانی رعیت تنگ تر و سخت میگردد .  
 در آن زمان از علم و دینیت در بین مردم نام و نشانی نماند . در تمام  
 امارت بخارا از ابائی مملکت یک نفر دوکتور یا مهندس یا عالم علم  
 زراعت یا دانشمند علم حساب یا مویخ یا فتن ممکن نبود ، مدرسه های  
 مملکت بجز زیاده کردن شماره علمای بی سواد ، فاسق دیگر خدمتی  
 نمیکردند .



در باره براه ماندن کارهای تندرستی عامه حکومت امیرتج  
یک اقدامی نمیکرد، خسته گی های میگذشته گی در بین مردم تعمیم  
می یافت. باشندگان بسیار دهنه بمرض زخم مبتلا یا دیگر  
دردها درد مند بودند، کودکان مملکت بسبب نبودن طبیب دانشمند  
و دو چون مورد بلخ میمردند.

دهه های که سی چهل سال پیش از این صد خانه وار باشند  
داشت، در عرقد انقلاب بخارا در ۱۳۳۹ هجری بجای صد خانه دار دار  
سی، بیت یاده خانه وار مردم بود. زندگانی مردم دهمقان  
کارهای دهمقانی سال از سال خرابی میکشید. جویهایی که پنجاه  
یا صد سال پیش از این آب روان داشت در کنار آن کشت ها  
دهه ها موجود بود، خشک و بی آب مانده بود. از کشت ها، دهه ها  
اثر و نشانی نمانده بود.

رعیت فقرا امید استند که این همه خرابی و تنگی با اثر ظلم حکومت  
امیر است، اما برای مقابله کردن خود را ضعیف و ناتوان می پند  
علمای دین همیشه تبلیغ و تشوین میکردند که اطاعت پادشاه واجب  
است



ترک امر و فرمانش موجب گنه کاری است .

عامة بی سواد فریفته سخن های علمای دین بودند . از طرف دیگر  
راه مبارزه راه نجات را بروی خود بسته میدیدند ، میدانستند که  
امرا ، علما و کسان صاحب نفوذ شهر و ده به هم پیوسته اند ، همه  
یکجخت اند . بخلاف این زمره رعیت فقیر از همدگر بی خبری  
تشکیلات مانده نمیدانست که چه کار کند ، راز دل خود را بکه گوید ،  
هر گاه از تنگی و سختی زندگانی مردم یک دهنه قدم بشورش گذارند مردم  
دیگر دهنه از آنها بی خبر بودند ، بآدمت و تدبیر مردم صاحب نفوذ و  
دولتمندان شور و قیام رنجبران ظلم دیده خاموش کرده میشد . جور  
ترین قیام کرده گان را چون گنه کار بدست حکومت می سپاریدند .  
مردم میدانستند که هر گاه بکومت داران امیر غالب آیند حکومت  
امپراطوری روس امیر را حمایت خواهد کرد بمقابل حکومت  
امپراطوری قدرت و توانای مقابلت کردن را داران نیستند تا ۱۹۲۰ میلادی  
یعنی در ۱۳۳۹ هجری تمام مردم بخارا و باشندگان قسم جنوبی جمهوری  
تاجیکستان امروز بهمین حال زیستند ، در نتیجه انقلاب اوکته



و افتادن امیر بخارا باشندگان این مملکت زندگانی نورا دارا  
گردیند .

## اصول اداره حکومت امپراطوری روسیه زندگانی مردم تورکستان روس در آن زمان

قسی از مردم تاجیکستان باشندگان سمت شمالی آن که دلا  
های خجند، اوراتپه، پنجکنت را شامل است و مردم شرقی پامیر در زمان  
گذشته در زیر تابعیت حکومت امپراطوری روسیه بودند و این  
جایها داخل تورکستان روسی بود .

حکومت امپراطوری بخارا و خیوه را بواسطه امیر بخارا و خان خیوه  
اداره میکرد بقیه خاک تورکستان را بی واسطه خود اداره مینمود  
چنانکه اینگونه شکل اداره بواسطه و بیواسطه از طرف دولت انگلیس  
هنوز در هندوستان معمول است .

حکومت امپراطوری مردم تورکستان را چون ملت غیر روس



بیگانه میثاریه . سیاستی که حکومت . بهر طوری در تورکستان  
تطبیق مینموند وینا مثل همان سیاستی است که هنوز دولت‌های غالب  
و تسلط یافته در مستملک‌های خود در باره ملت‌های محکوم تطبیق  
هیکنند .

حکومت امپراطوری در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی  
مردم تورکستان هیچ یک اقدامی نمیکرد . در کشادن مکتبها . مدرسه  
و تعمیر معارف هیچ مددی نمی نمود . بلکه اقداماتی که مردم تورکستان  
در این راه میگردند ، از طرف حکومت دچار مانعها و مشکل‌ها میگردد .  
حکومت امپراطوری تورکستان را چون منبع مال خام می شناخت  
و از این راه از تورکستان استفاده مینمود ، در تاسیس صناعت و کارخانه‌ها  
که مال خام مملکت را کار کند قابل استعمال نماید مانعت میکرد ، از این است که  
در مدت پنجاه سال حاکمیت امپراطوری روسیه کار صناعت در خاک تورکستان  
ترقی نکرد . کارخانه‌های موجود آهه برای با آسانی بودن مال خام خدمت میکرد  
مردم تورکستان در کارهای اداره وطن خود هیچ یک حق و اختیاری نداشتند .  
بنده ناموس‌های مورد حرجی سیاسی و ملکی بدست ناموسین از روسیه آمد حکومت



و امپراطوری بود. از مردم تورکستان قاضیها را نائب پوس با تعیین میکردند که  
 در بین مردم چون جا سوسان حکومت معروف بودند و در این راه خدمت میکردند  
 در زمان حاکمیت امپراطوری در خاک تورکستان بعضی وسائل ترقی اقتصاد  
 و مدنی نیز فراهم آمد. اما اصول حاکمیت امپراطوری امکان نمیداد که آن دست  
 با در راه ترقی مردم تورکستان خصوصاً قسم رنجبران خدمت نماید. در آن  
 در تورکستان خط های راه آهن کشیده شد. پوخته و تیلگراف تأسیس یافت  
 راه های قنابلی درست کرده شد. بانکها، تجارت خانه ها، سپین فنت شهرهای  
 بنا یافت. محکمه های عدلیه تشکیل گردید. این همه وسائل برای استحکام حاکمیت دولتمندان  
 خدمت میکرد بواسطه این وسائل مدنی مردم تورکستان را بهتر بشمار میکردند. حاصل  
 و سعی این مردم را با آسانی از دست ایشان میگرداند و میبردند. در تورکستان کشت پنبه ترقی  
 کرد. اما منفعت آن نصیب یک مشت تلیل دولتمندان بود. در نتیجه سیاستی که در آن زمان  
 بود زمینهای کشت از دست دهقانها فقیر ب دست دولتمندان میگذاشت. بشمار دهقان  
 بی زمین فقیر سال از سال همیا فرود. حکومت امپراطوری صد ما هزار دهقان را از دخال  
 روسیه تورکستان کوچانید. زمینهای خوب مردم تورکستان را با زور و ظلم گرفت  
 بهماجران از روسیه آمده داده خوشت که با این راه از مهاجران برای خود



تکیه گاهی داشته باشد، در تورستان طرفداران صادق اصول  
حاکمیت امپراطوری بوجود آید.

در نتیجه این سیاست حکومت امپراطوری احوال مردم تورستان  
خصوصاً زندگانی قسم رنجبر این مردم بدتر و خراب تر شد. از ترقی

و آبادی مملکت بعامة مردم بیچ نفی نرسید، بی سواد و جهالت  
عامه کم نشد، مکاتب، مدارس و مطبوعات مردم تورستان ترقی نکرد  
از سیاست حکومت امپراطوری عامه مردم نارضا بودند. آنها

قیام و مبارزه بودند. در سنه ۱۸۹۱ و ۱۹۱۶ میلادی یعنی در سنه ۱۳۱۵ و ۱۳۳۶ هجری

قیام و مقابله بهم کردند. حکومت امپراطوری با ضرب توپ تفنگ قیام را خاموش  
و مردم شورنده را مغلوب کرد.

در تورستان گروهی بودند که بکومت امپراطوری با صداقت

خدمت میکردند و طرفداری میکردند، این گروه قلیل از علمای دین،

زمین داران بزرگ و دولتمندان عبارت بودند، حکومت هم بهر او

دوسيله این گروه را حمایت میکرد.

از سیاست و اداره حکومت امپراطوری نه تنها عامه رنجبر





روزان حکایت ایریاطوری روسی زندگی سلیمان ترکستان

گروهی از مسلمانان ترکستان که مخالف حکومت ایریاطوری در سیستان و علم انقلاب بر داشتند بپوشیده شدند.

ن اول  
م سینه  
از زنی  
بهاک  
تاریکی  
۱۳  
ش



تورکستان نارضا بودند، بلکه اکثر مردم روسیه هم از حکومت خود  
نارضا و حکومت خود دشمن بودند. چونکه حکومت امپراطوری در همه  
کار و سیاست خود منفعت صنف دولت‌مندان را مقدم می‌شمارید و  
بسیاری از ناموران بزرگ حکومتی، خود صاحب زمین بسیار، کار  
خانه‌ها، بانک‌ها و تجارت‌خانه‌ها بودند.

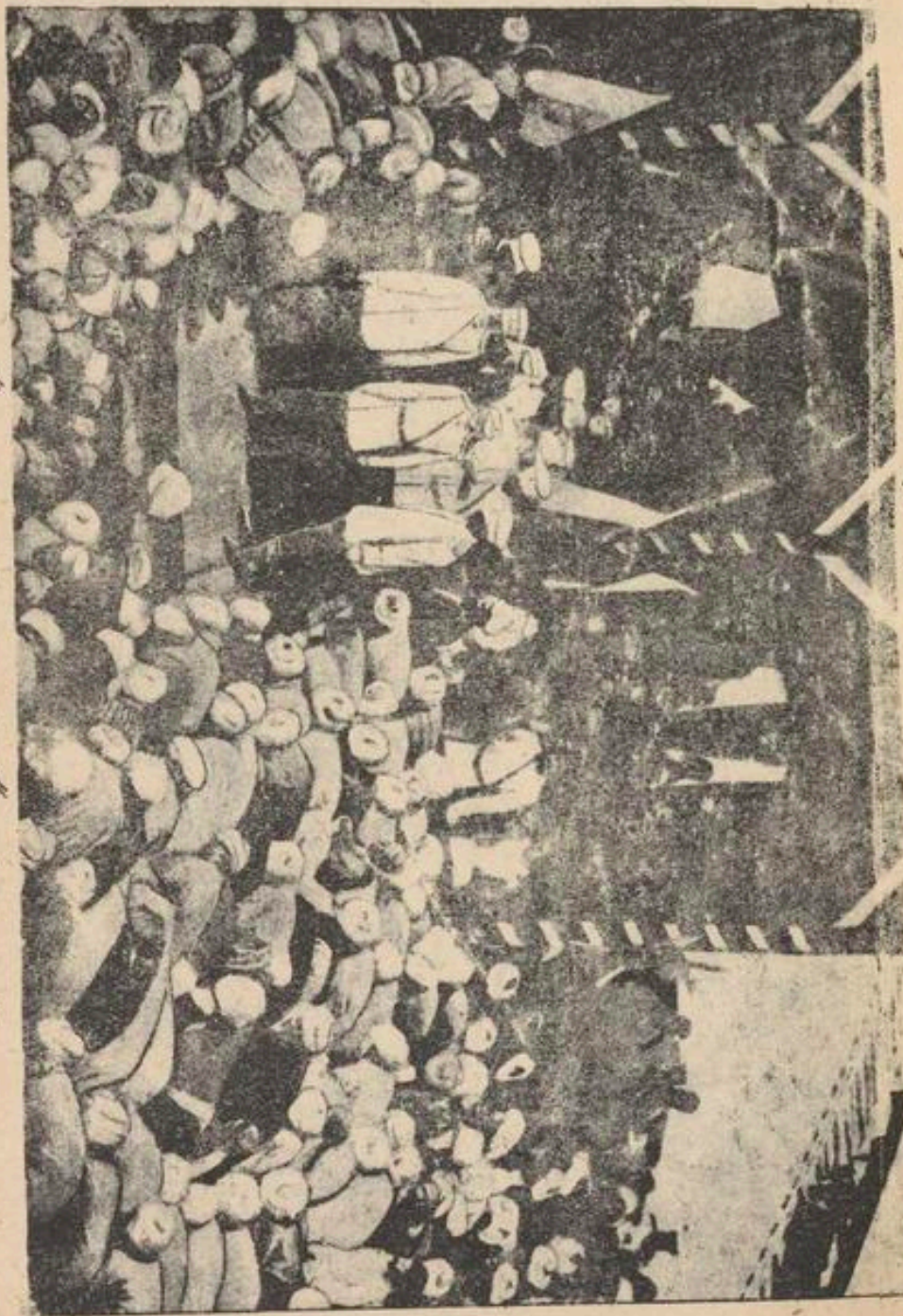
صنف رنجبر مملکت، مردکار کارخانه‌ها، فابریک‌ها و دهقانان  
فقیر با سختی زندگانی می‌کردند. از همه حقوق‌های سیاسی و مدنی  
و اقتصادی محروم بودند.

اصول مالیات خراج، تجارت، صناعت، کارهای زراعت  
معارف، عدلیه، نظمیه همه کار مملکت چنان اداره کرده می‌شد که  
مردم دولت‌مندان از آنها نیکو استفاده می‌کردند، صنف رنجبر رعیت  
فقیر را از آنها نصیب خیری نبود. بنابراین از دیرگاه در بین دولت‌مندان  
فقیران روسیه مبارزه صنفی دوام می‌نمود.

وقتی که در روسیه صناعت ترقی نکرده بود، صنف مردکار، کار  
گران کارخانه‌ها فابریک‌ها هنوز بوجود نیامده بودند.



۲۵



یکی از یادگارهای روزگار است که مردم ترکستان در زمان حاکمیت امپراطوری روس گذراندند

مردم ترکستان با سرمای خفیه خود گریز از امپراطوری روس را سلام میکنند



سباززه صنفی درین دولت‌مندان، زمینداران و دهقانان فقیر دوم  
 می‌کرد. تاریخ روسیه از شورش و عصیانهای دهقانهای فقیر  
 پرست. از آن جهت که دهقانها صاحب تشکیلات منظم نبودند  
 همیشه مغلوب میگردیدند.

هشتاد، هفتاد سال پیش از این کارصناعت بنا کردن فابریک  
 ها، کارخانه‌ها در روسیه روتبرقی نهاد و عدد مردکارهای کارخانه  
 ها بازودی ترقی کرد، مردکارهای کارخانه دوازده، چارده حتی  
 ۱۶ ساعت کار می‌کردند، مزد کم می‌گرفتند، برای گذرانی زندگان  
 ایشان کفایت نمی‌کرد، هرگاه کار را ترک کنند بهبودی احوال  
 خود را طلب نمایند. با زور و ظلم حکومت آنها را بکار کردن مجبور مینمودند  
 حکومت منفعت و خیریت صاحبان کارخانه را همیشه مقدم میشمارید  
 عوض و داد مزدورکارگران را نمی‌شنید. دشمنی و خصومت  
 کارگرها در حق حکومت روز از روز میافزود.

تنگی زندگان ظلم حکومت و دولت‌مندان صنف کارگر را در راه  
 عصیان و انقلاب انداخت سی و چهل سال پیش از این مردکارها



تشکیلات های مخفی انقلابی خود را بوجود آوردند . مردکارهایی که در کارخانه ها کار میکردند . هزارده هزار و بیش از این در یکجا جمع بودند . جمعیت های بزرگ تشکیل میکردند . بنابراین با یکدیگر علاقه کردن ، مشورت کردن تشکیلاتها بوجود آوردن ایشان نسبت به مقانها خیلی آسان بود .

باراهبری تشکیلات مردکارها در بین دهقانان هم کارهای تشکیلات انقلابی خیلی قوت گرفت و انتظام پیدا کرد . در نتیجه قوت فتن جریان انقلابی کارگرها قریب سی سال پیش از این فرقه باسوی تشکیل یافت . تأسیس کننده و راهبر این فرقه لینن بود . از روز تأسیس خود این فرقه رنجبرها را در کارهای انقلابی راهبری کرد ، و در راه مبارزه های صنفی عموم رنجبران با تمام فعالیت کار کرد . حرکات انقلابی صنف رنجبر سال از سال شدت میکرد . در سال ۱۹۰۵ میلاد بمقابل پادشاه ، بمقابل اصول حکومت داری دولتمندان یک حرکت انقلابی سخت پیدا شد ، همه مردکاران کارخانه ها ترک کار کردند ، خواستند که اصول اداره مملکت را دیگر کنند راه های



آهن استاده شد، کارخانه‌ها از کار ماند، حکومت و دولتمندان  
در اضطراب افتادند در شهرهای بزرگ و در بعضی دهنه‌ها در بین حکومت  
در نخبان جنگهای خونین واقع گردید.

در این مبارزه بزرگ صنف رنجیر مملکت مغلوب گردید  
حکومت و دولتمندان باز غالب آمدند، چونکه بسیارترین دهقانها  
در این حرکت انقلابی همراهی نکردند، پس مانده گی دهقانها اثر  
کرد، عسکر نیز آماده انقلاب نبود و در تحت تاثیر حکومت بود.  
حکومت را مدافعه کرد.

این کشمکش و مبارزه صنفی رنجیر و صنف دولتمندان تا  
انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ میلادی دوام نمود و این انقلاب  
دولتمندان را مغلوب و رنجیران را غالب کرد.



## جنگ عمومی و انقلاب روسیه

دولتمندان روسیه میخواستند که برای ترقی تجارت و صناعت خود خاک مملکت را دسعت دهند باز مملکت های دیگر را تصرف نمایند بخود تابع کنند. با این نیت در ۱۳۲۳ هجری در جنگ عمومی داخل شدند با فرانسیه و انگلیس اتفاق کردند. بمقابل جرمنی و اتریش و تورکیه بجنگ آغاز نمودند. جنگ بدرازی کشید. قوت و دولت مملکت در راه جنگ صرف کرده شد. تلفات عسکر روسیه روزانه دوز میافزود. حکومت روسیه پانزده میلیون رنجبر را در میدان جنگ بخدمت عسکری برده بود.

معلوم بود که برای صنف رنجبر از این جنگ فایده حاصل نخواهد شد. در این جنگ غالب آیتد یا مغلوب گردند بهر حال منفعت نصیب زمینداران بزرگ صاحبان کارخانه ها، فابریک، تجارت خانه ها بانک خانه ها بود. این گروه در همه وقت تنگی و سختی احوال فقر رنجبر را در نظر نمیگرفتند. بدوهم داشتن جنگ را طلب مینمودند.



تشکیلاتهای انقلابی در بین مردکار عسکر و دهقان کار کردند.  
 همانند که این همه خون ریزی ها برای منفعت دولتمندان است.  
 مردکار و دهقان عسکر بمقابل حکومت برخاستند و در ۱۹۱۲ میلادی  
 یعنی در ۱۳۳۶ هجری پادشاه روسیه بمپراطور نیکولای را از تخت براندختند،  
 دولتمندان دیدند که اگر در آن لحظه بمقابل مردم انقلابی بطور آشکار قیام  
 کنند، کار اداره مملکت از دست دولتمندان خواهد رفت، چنین تدبیر  
 را اختیار نمودند که خودشان را در ظاهر بمردم انقلابی از طرفداران انقلاب  
 و آزادی معرفی کردند، از تخت برانداختن پادشاه را تصویب  
 نمودند و باین راه اداره مملکت را بدست خود گرفتند و در باطن حرکت  
 میکردند که انقلاب را زودتر خاموش کنند. در نتیجه این انقلاب  
 اداره مملکت باز بدست دولتمندان بماند، حکومت نو برای درستی  
 احوال مردکار و دهقان و عموماً صنف رنجبر، هیچ یک کاری نکرد.  
 جنگ را بردوم داشت، خرابی و پریشانی صنف رنجبر روز از روز میافزید  
 از آن روزی که حکومت امپراطوری سقوط کرد و کار بدست  
 دولتمندان گذشت، فرقه بانوئیک و راهبران فرقه لینن میگفت که:



« این کسانی که اداره مملکت را بدست خود گرفته اند ، همه از صنف  
 دولتمندان اند ، از خرابی و پریشانی صنف رنجبر اینها هیچ غمی ندارند ،  
 تا زمانیکه صنف رنجبر اداره مملکت را بدست خود نگیرد ، اصول اداری  
 که موافق منفعت و خیریت صنف رنجبر باشد ، بوجود نخواهد آمد .»  
 هر ماه هر روز که میگذشت راستی سخن باشوکیها روشن تر  
 میگردد ، اعتماد عامه رنجبر در حق فرقه باشوکی زیاد تر میشد .  
 در تحت تأثیر تنگی و سختی زندگانی هم تبلیغات و راهبری فرقه باشوکی  
 صنف رنجبر بمقابل حکومت دولتمندان راه انقلاب را پیش گرفت .  
 مردکارهای کارخانه ، علم انقلاب را برداشتند ، همه دهبقان رنجبر  
 و عسکر با صنف مردکار همراهی کردند .

در آن روز با این شعارها سرشق دوستور همه رنجبران انقلابی بود  
 « نیست باد حکومت دولتمندان » ، حکومت را بدست شورای مردکار  
 دهبقان و عسکر باید داد ، جنگ را تمام باید کرد ، زمینهای دولتمندان  
 بدهبقان های بی زمین داده شود ، فابریک ها ، بانک ها تجارت خانه  
 های دولتمندان ملک عامه ملت باشد .»



در این مبارزه صنفی دولتمندان از مقابله و مبارزه کردن باج  
آمدند و در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ میلادی صنف ریخبر حکومت دولتمندان  
را برانداخت، حاکمیت را بدست خود گرفت و حکومت شورایی را  
تشکیل کرد.

از ساعتی که صنف ریخبر حاکمیت را بدست خود گرفت قدم بقدم  
مقتضه های صنفی خود را بوقوع اجرا گذاشت، تمام کارهای خود را از نقطه  
نظر صنف ریخبر تشکیل کرد.

حکومت شورایی به همه دولت های جنگ کننده تکلیف نمود که با سایر  
های برابری صلح کنند، متفق های سابق روسیه قبول نکردند، دولت  
شور خود تنهایی صلح کرد، عهدنامه های که در باره تقسیم کردن تورکیه  
ایران و افغانستان حکومت امپراطوری با متفقان حربی خود بسته  
بود، حکومت شورا همه را بیکار و از اعتبار ساقط اعلان نمود.  
قرضهایی که برای صرف جنگ و استحکام دادن حاکمیت صنفی خود  
حکومت امپراطوری و حکومت دولتمندان از سرمایه داران خارجی گرفته  
بود، حکومت شورایی اعلان نمود که آن قرض را حکومت صنف ریخبر نخواهد



پرداخت . حقوق امتیازاتی که دولتمندان خارجی در روسیه داشتند  
حکومت رنجبران نیز قبول نخواهد کرد .

انجمن طلباتی که حکومت‌های سابق روسیه از تورکیه ، ایران و  
چین داشتند همه را بخشید . از همه امتیازاتی که در آن مملکت با  
حکومت امپراطوری داشت از همه گذشت ، عهدنامه های که حکومت  
امپراطوری با آن دولتها بسته بود و حقوق سیاسی اقتصادی آنها را  
زیر پا کرده بود ، همه را ساقط از اعتبار شمارید و در بستن عهدنامه  
های دیگر به اساس برابری اقدام کرد .

تفضیقات و سخت‌گیری‌های که بنا بر سبب تفاوت ملی و دینی در حق  
غیر روس ها در زمان گذشته مرعی بود همه را لغو کرد . رنجبران همه  
ملت و مذہب را در کار اداره مملکت حقوق برابری بخشید و امکان  
داد که هر ملت با رضا و خواهش خود طرز حکومت داری خود را تعیین  
نماید و اگر لازم داند مختار است که از جمهوریت شورای روسیه تمام  
جدا شود .

زمین های زمینداران و دولتمند را گرفت . بدیهانهای بی زمین و کم زمین



بانک ها ، فابریکها و تجارت خانه ها را تصرف کرد ملک ملت اعلان نمود  
 زمینداران بزرگ ، دولتمندان شهر و دهه و علمای دین را از حقوق  
 اداره کردن مملکت محروم قرار داد . این سیاست ، این اقدامات  
 حکومت شورای ، دولتمندان داخلی و خارجی را در اضطراب انداخت  
 سرمایه داران داخلی و خارجی دیدند که این جریان صنفی انقلاب  
 میتواند که عالمگیر گردد و در تمام دنیا حاکمیت دولتمندان را زیر و زبر  
 کند . و بنابراین بمقابل حکومت شورای همه راه مخالفت و مبارزه  
 اختیار نمودند . منصب دارهای حربی و ملکی حکومت امپراطوری  
 زمینداران بزرگ ، صاحبان کارخانه و تجارتخانه ها ، علمای دین  
 از روس و غیر روس همه بخلاف حکومت رنجبران برخاستند .  
 حکومتهای دولتمندان خارجی خصوصاً انگلیس و فرانسیسه  
 با تمام همستی خود بحکومت شورای به مملکت رنجبران هجوم آوردند .  
 بدسته های عکس انقلاب داخل روسیه مدد کردند .  
 از طرف دیگر یک قیام عمومی صنفی رنجبران برپا شد ، مردکاران  
 همه فابریکها ، دهقان های رنجبران از روس و غیر روس برای مدافعت



حاکمیت صنفی خود در برابر روزه خونین اقدام نمودند .  
 رنجبران نمی خواستند که برای فائده دولتمندان جنگ کنند ،  
 از جنگ بیزار بودند ، اما در این جنگ صنفی که برای نگره داشتن  
 حاکمیت صنفی خود قبول نموده بودند ، با کمال مردانگی استاده گی  
 کردند . در اثنای این مبارزه تنگی و خرابی مملکت گرسنه گی و  
 سختی عامه رنجبر روز از روز افزونتر میگردد ، اما این همه تشکیلات  
 عزم و متانت صنف رنجبران شکست کم نکرد .  
 در سایه موفقیت و کامیابی های رنجبران روسیه ، جریان انقلاب  
 بین الملل قوت گرفت . رنجبرانی که در مملکت های ثروتمندان زندگان  
 میکردند از موفقیت های انقلابی رنجبران شورای باخبر شده جرئت  
 یافتند . بمقابل حکومت های خود نیز راه انقلاب را پیش گرفتند .  
 درنگ داشتن حکومت شورائی کوشش کردند .  
 عسکرانی که از طرف دولتهای سرمایه داران برای نیست کردن  
 حاکمیت شورائی فرستاده شده بودند ، بمقابل حکومت شورای جنگ  
 نکردند ، حکومت های دولتمندان مجبور گردیدند که از مملکت شورائی



دست کشند ، ترک جنگ نکنند . سرمایه داران داخلی نیز از  
مبارزه و مقابله عاجز آمدند ، حاکمیت شورائی استحکام یافت ،  
حکومت شورای در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی صنف  
رنجبر اقدام نمود .

## اثر انقلاب در تورکستان

در نتیجه از تحت برانداختن پادشاه روسیه ، در تورکستان هم  
حرکت انقلابی بوجود آمد ، گروه دولتمندان روس و مسلمان کار  
اداره مملکت را به دست خود گرفتند .  
دولتمندان تجد خواه بخارا نیز خواستند که کار اداره مملکت را  
به اختیار خود گیرند و نفوذ و تاثیر خود را بیافزایند ، آنها میخواستند  
در امور مملکت بعضی اصلاحات اجرا شود اما امیر و اطرافیان کهنه  
پرست او این را قبول نکردند ، حصول این مطلب را امکان ندادند .  
از انقلاب فیورال از سقوط حکومت امپراطوری صنف رنجبر  
نیز استفاده کرد ، کارهای تشکیلات انقلابی رنجبران قوت یافت .



درین رنجبران روس و محلی نزدیک و کجبتی زیاده شد .  
 در تورکستان هم صنف رنجبر بمقابل حکومت نو دولت‌مندان مبارزه  
 میکرد و در این مبارزه فرقه بالشویک را بهبری مینمود .  
 در نتیجه این انقلاب ، و کتا برد در تورکستان هم حکومت نو دولت‌مندان  
 افتاد ، کار بدست صنف رنجبر گذشت ، در این جا هم صنف دولت‌مندان  
 بمقابل حاکمیت رنجبر راه مخالفت را پیش گرفتند .  
 زمینداران بزرگ دولت‌مندان شهر و ده به منصب داران حکومت سابق  
 علمای دین از روس و مسلمان یک اتحاد صنفی بوجود آوردند .  
 با تشکیلات های عکس انقلابی داخل روسیه کجبت گردیدند ، حکومت  
 انگلیس هم بیاری این گروه رسید ، امیرنخارا هم با این با همدست  
 بود . این دسته ، این قوت عکس انقلابی که از طرف دولت‌مندان  
 روس ، یهود ، ارمنی و مسلمان تشکیل یافته بود ، دعوی محافظت اسلام  
 را کرده و با این راه مردم را فریفته خود میکرد .  
 بمقابل این گروه عکس انقلابی که دولت‌مندان همه ملت‌ها تشکیل کرده  
 بودند ، صنف رنجبر مملکت نیز با همدگر اتحاد نمودند ، از رنجبران اوزبک



تاجیک ، تورکمان ، قرغیز ، قزاق ، روس یک قوت انقلابی بوجود  
 آمد . همگی دست بدست یکدیگر داده حاکمیت صنفی خود را مدافعه کردند .  
 دایره مبارزه صنفی وسعت یافت ، رنجبران بخارا و خیوه نیز همراهی  
 کردند ، حکومت امیر بخارا نیز افتاد ، امیر بافغانستان گریخت ، در  
 خاک تورکستان جمهوریت های شورائی تورکستان ، بخارا و خیوه  
 برپا شد . آنهایی که حاکمیت را از دست داده بودند ، تا توانستند  
 مقابله و مقابله کردند ، مبارزه صنفی بدرجه رسید که طرفداران حاکمیت  
 دولت‌مندان با ستمه چی ها ، زن و کودکان دهقانهای رنجبران را میکشند  
 قتل عام می کردند ، خرمن و خانه های رنجبران را میسوزند .  
 با این همه سختی ، صنف رنجبر تاب آورد ، مبارزه کرد غالب شد  
 راه صنفی خود را اجرا کرد ، تمام مال و ملک دولت‌مندان بخارینه ملت تعلق  
 یافت ، زمینهای زمینداران بزرگ را به دهقان های کم زمین دبی زمین  
 داده شد ، درآمد زمین های اوقاف را بکارندگان فقیر بخشیده شد  
 تمام کارهای سیاسی ، اقتصادی و مدنی مملکت موافق منفعت صنف  
 رنجبر تشکیل یافت ، بدست صنف رنجبر گذشت .



بعد از آنکه صنف رنجبر حاکمیت خود را مستحکم نمود مسئله تشکیل  
کردن جمهوریت های ملی را پیش گرفت و در نتیجه حل کردن این  
مسئله جمهوریت شورائی تاجیکستان بوجود آمد.

## برپاشدن جمهوریت های ملی در آسیای میانه و بوجود آمدن جمهوریت تاجیکستان

وقتی که حکومت امپراطوری خان های تورکستان را مغلوب کرد  
قسم بزرگ خاک تورکستان را بی واسطه در تحت اداره خود گرفت.  
وقسمی را در زیر عنوان تابعیت امیر بخارا و خان خیره گذاشت و بواسطه  
آنها اداره کرد.

اما تقسیمات حدود را چنین تعیین نمود که اتحاد و نزدیکی ملت های آسیای  
آسیای میانه را امکانی نماند. بعد از انقلاب اوکتا بر مردم آسیای  
میانه توانستند که امتیازها و جدائی های ملی را محو نمایند. جمهوریت های  
ملی برپا نمایند در سال ۱۳۳۳ هجری بجای جمهوریت های تورکستان  
بخارا و خیره جمهوریت های ملی تشکیل نمودند. حدود های این جمهوریت های



موافق منافع ملی خود تعیین نمودند .

در مستملکه سابق امپراطوری ، جمهوریت های آزاد اوزبکستان ، تاجیکستان ، توکمستان ، قزاقستان و قرغیزستان بوجود آمد . ملت هایی که در نتیجه سیاست امپراطوری پریشان و پراکنده بودند ، در دایره جمهوریت های ملی خود بهم پیوستند .

جمهوریت تاجیکستان که از جهت اقتصادی و مدنی خیلی پس مانده بود چون یک جمهوریت مختار در داخل جمهوریت اوزبکستان بماند ، و قریب پنج سال زندگانی این جمهوریت در جزایر اوزبکستان گذشت . در مدت این پنج سال در زندگانی اقتصادی و مدنی تاجیکستان چنان یک تبه لانه بوجود آمد که اگر احوال تاجیکستان را در زمان امیر دانید و از حالت پنج سال قبل آن واقف باشید بی اختیار خواهید گفت که این ترقی تاجیکستان محیر العقول است .

دو سال اول زندگانی تاجیکستان در راه برپا کردن امنیت مملکت ، نیست کردن با سمرچی ها گذشت . در آخر سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی تاجیکستان از غارت با سمرچی ها پاک گردید . امنیت در مملکت مستقر شد



دانشمندان و کیمشوراهای رنجبران تاجیک اجتماع نمود، راه‌های انکشاف اقتصادی و مدنی مملکت را معین نمود، حکومت مرکزی خود را انتخاب کرد از آن روز حکومت تاجیکستان تمام قوت و سعی خود را در راه استحکام دادن حاکمیت صنفی ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی مملکت مصروف داشت. رنجبران تاجیکستان از همه کار بیشتر در تقویت و استحکام حاکمیت صنفی خود کوشش کردند.

عملدار و منصب دارانی که در زمان امیر زمام اداره مملکت را در دست خود داشتند، زمینداران کلان و تجار با و علمائی که اصول حکومت داری دولت‌مندان را حمایت میکردند، همه را از حقوق اداره کردن مملکت از حق انتخاب و منتخب گردیدن محروم کردند، همه را از کارهای اداره رانند، بیرون کردند.

حق اداره کردن مملکت را به صنف رنجبر منحصر ساختند از دهنه گرفته تا مرکز جمهوریت، همه مأمورین را بهرهای حکومت و دولت از طرف صنف رنجبر از زمین صنف رنجبر انتخاب کرده میشوند. در نتیجه این انتخابات که در هر دو سال یکبار تکرار میشود،



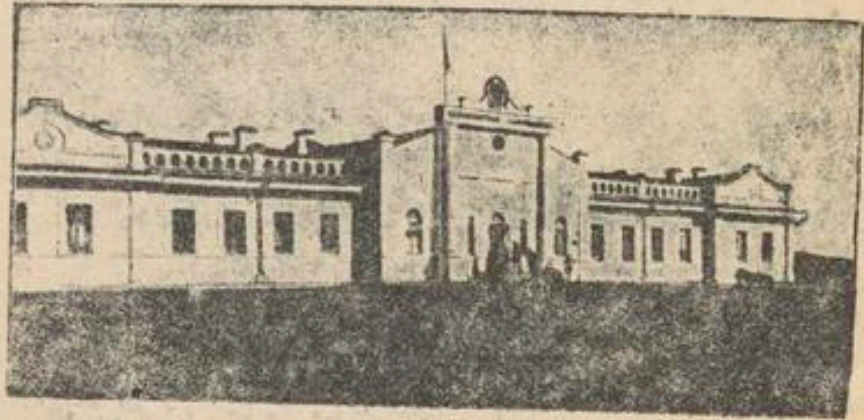
تمام اداره و کار مملکت بدست انتخاب کرده گان صنف رنجبر گذشت  
 آنهایی که چند سال پیش از این مزدوری مردکاری <sup>مقانی</sup> در  
 میگردند ، امروز با کمال مهارت و توانایی کارهای مهم  
 مملکت را اداره میکنند .

مثلاً رئیس کمیته اجرائیه ایشان که با اصطلاح ما رئیس  
 جمهور است ، رئیس شورای کیسرها ، ایشان که با اصطلاح ما  
 رئیس الوزرا است ، کیسرهایی عدلیه ، معارف ، و اعلیه  
 حربیه ، مالیه ، تدرستی ، زراعت ایشان که با اصطلاح ما  
 وزیرهای این وزارت خانه ها اند ، همه از فرزندان رنجبر  
 انتخاب کرده میشوند . رئیس جمهور رئیس الوزرا و دیگر وزیرها  
 ایشان در انجمنهای شورایی در نزد وکلای مردکار و دهقان ها از  
 کارهای حکومت و دولت حساب میدهند . اگر کار و خدمت ایشان  
 شایسته شمارند بکار ایشان میمانند وگرنه بجای ایشان از بین  
 رنجبران دیگری را انتخاب میکنند .



۴۳

خانہ عاکیت صنف رنجبر



کیتہ مرکزی اجرائیہ جمہوریت جماعتی شورائی تاجیکستان



حکومت صنف رنجبر قانونها و تشکیلات عدلیه مملکت را نیز از نقطه نظر  
صفت صنف رنجبر درست کرد .

در زمان گذشته شاید با اعتبار محکمه ، دولت مند شمرود همه بود  
امروز سخن و شهادت یک رنجبر یک مزدور از شهادت آن اشخاص  
با اعتبار سابق ، مقدم داشته میشود .

در زمان گذشته محکمه ، قاضی خانه را دولت‌مندان چون خانه خود  
میشماریدند ، میدانستند که حاکم و قاضی از جنس آنهاست ، قانون  
مملکت حقوق آنها را مدافعه میکند .

امروز احوال چنین شده است که فقیر رعیت مزدور با دلیری تمام  
به محکمه شورای صنفی خود میرود ، قبل از مرافعه میداند که سخن حق اوست  
خواهند شنید و حکم بجا خواهد آمد ، چونکه آنکس که میسرود  
آنکس که حکم میکند نیز از رنجبران است ، قانون مملکت حقوق رنجبران  
را مدافعه میکند .

دولتمندی که در زمان گذشته محکمه را حامی خود میشمارید ، در محکمه  
عدلیه شورای با ترس دلرزه میرود ، میداند که این محکمه صنف وی نیست



قانونیکه چون دستور در اساس گرفته میشود، از نقطه نظر منفعت  
صنّف رنجبر نوشته شده است. بنابراین مرافعه را خواهد باخت. صنّف  
رنجبر در باره مرافعه و محافظت کردن وطن صنفی خود نیز اهمیت کلی داد  
از روز تأسیس جمهوریت تاجیکستان در راه تشکیل کردن عسکر صنفی  
خود اقدام نمود. امروز تاجیکستان دارای یک قوت مسلح صنفی  
مکمل گردیده است که همه قسم های حربی پیاده، سواره، توپچی، پلیموچی  
و دسته های کیمیایی را داراست. از رنجبران تاجیک را مهربان  
حربی کو ماندان های ماهر رسیده است، و بسیار جوانان تاجیک  
در مکاتب میانه و عالی حربی مشغول تحصیل اند. این قوت عسکری  
رنجبران تاجیک که جزا عسکر سرخ شوران است، چون یک قوت مسلح  
بین الملل رنجبران شماریده میشود.

برای تأمین نمودن امنیت و انتظام داخلی جمهوریت، رنجبران  
تاجیک، میلیتسیه منتظم صنفی نیز بوجود آوردند.  
در عسکر و میلیتسیه جمهوریت تاجیکستان فرزندان رنجبر را قبول  
میکنند. به مخالفان صنفی خود به فرزندان دولت مندانشان تیر و تفنگ را



نمیدهند آنها را در صف عسکر صنفی خود قبول نمیکند. رنجبران تاجیک  
 میدانند که بدون ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی بهبودی درستی  
 زندگانی صنف رنجبر میسر نمیشود؛ بنابراین با یک سلسله تدبیرهای  
 مهم در درستی این کارها اقدام نمودند؛ محافظت کردن منفعت صنف  
 رنجبر را در کارهای خود اساس دانستند. خرابی مملکت، و فقری عامه <sup>مقان</sup> را  
 را در نظر گرفته سه سال تمام خراج زراعت را بدیهقان بخشیدند.

بعد از آنکه احوال اقتصادی مملکت رو به بهبودی نهاد و در اخذ نمودن خراج  
 دیهقانی اقدام نمودند؛ درباره خراج و مالیات مملکت چنین قوانینی  
 وضع کردند که باعث رفاهیت و درستی زندگانی دیهقان فقیر و میان  
 حال گردد. از روی قانون خراج دیهقانهای مملکت را بچهار قسم تقسیم میکنند:  
 قسم اول، دیهقانهای که فقیراند، اصلی که از کشت خود میگیرند برای  
 تأمین زندگانی اهل و عیالشان کفایت میکند، این قسم را ازدادن خراج  
 دیهقانی تمام آزاد میکنند.

قسم دوم دیهقانهای که احوال زندگانی ایشان نظیر به قسم اول  
 فی الجمله بهتر است. لکن آن اندازه که زندگانی ایشان بخوبی گذرد،



درآمد ندارند؛ از مجموع درآمد دهقانی این قسم دهقانها از صدی  
سه تا از صدی شش و هفت میگیرند.

قسم سوم دهقانهای که درآمد کافی دارند، زندگی ایشان بخوبی  
میگذرد، از حاصل درآمد اینگونه دهقانها از صدی شش تا از صدی  
ده میگیرند.

قسم چهارم دهقانهای که درآمد بسیار دارند، در کشت و زرعیت خود  
مردکارها چار یک کارها پنج یک کارها دارند؛ تمامی گرانی خراج  
به این گروه دهقانان عائد است، از درآمد و حاصل این قسم دهقا  
نهای از صدی ده تا از صدی بیست و پنج میگیرند.

در زمان سابق هر کس دولتمند و صاحب اعتبار بود، از او  
کمتر میگرفتند، در این زمان سیاست خراج مملکت تمام برعکس  
آن است؛ همه سبکی و رعایت نصیب دهقان فقیر و میان حال  
همه گرانی نصیب دار او دولتمند است، همین اساسی که درباره خراج  
دهقانی عرض کردیم در دیگر مالیات و خراجهای جمهوریت نیز مرعی است.  
جمهوریت تاجیکستان هم مثل دیگر مملکت های مشرق زمین مملکت



و بهقانی است . در زمان گذشته در این جا از صناعت و کارخانه  
 نام و نشانی نبود ؛ بنا برین ترقی و تکشاف اقتصادی تاجیکستان  
 از همه کار زیاد تر وابسته ترقی کردن کارهای زراعت است ؛  
 رنجبران تاجیکستان در مسئله های ترقی کارهای و بهقانی اهمیت بزرگ  
 میدهند . در این مدت پنج سال کار زراعت مملکت را خیلی ترقی دادند  
 و احوال عموم و بهقان ها را خیلی بهتر کردند .

زمینهای که در زمان گذشته ملک خصوصی امیر و نامورانش بود  
 همه را بفقرای فقیر به بهقانان رنجبر تقسیم کردند و دادند ؛ همچنین زمینهای  
 املاک و اوقاف را که در زمان گذشته قسم کلی حاصلش را ناموران  
 امیر و علمای دین میگرفتند . همه را بکارنده گان رنجبر گذاشتند ،  
 من بعد بنام املاک و اوقاف از آنها کسی چیزی نمیگیرد .

خریدن و فروختن زمین را منع کردند ، چونکه همه خریدار و دلمندان  
 و فروشنده فقیرانند ، در هر جا که خرید و فروش زمین معمول است  
 زمینهای خوب آهسته آهسته بدست مردم دلمند جمع میگردد .  
 همه زمینهای مملکت را ملک ملت قرار دادند ، هر کس که کار میکند زمین



باو و فرزندان او میدهند، با این راه در زندگانی عموم دهقانان یک  
بنیاد مستحکم اقتصادی گذاشتند.

در تاجیکستان آب رودان در زمین قابل کشت بسیار است، اما بسیار  
جوی‌های که برای آب یاری لازم است در نتیجه سیاست امیران، باطل  
گردیده بی آب مانده است. حکومت تاجیکستان در باره جوی‌های  
نوبر آوردن و در جوی‌های باطل و خشک شده آب جاری کردن باجهت  
تمام کوشش نمود؛ در مدت پنج سال قریب در یکصد و پنجاه هزار هکتار  
زمین که بحساب مافه صد هزار جریب میشود آبیاری کرده، جوی‌های  
نوبر آورده در این مدت به ده هزار خانه وارد دهقان بی زمین و کم  
زمین از طرف حکومت زمین دادند، آنها را بزمین‌های نو آبیاری  
شده کوچانیدند، بهر یک باندازه کافی مبلغی دادند که برای خود  
خانه درست کند، گاو اسب و دیگر اسباب دهقانی بخرد.  
از روی قرار حکومت تاجیکستان امسال باز به ده هزار خانواد  
دهقان بی زمین و کم زمین، از زمین‌هایی که آبیاری شده است، زمین  
میدهند و زندگانی آنها را درست میکنند.



و دهقانهای تاجیکستان در کشت و زراعت اسبابهای قدیمی را  
 کار میفرمودند، اصول زراعت مملکت صد سال پیش از این حکومت  
 باشد همان حال مانده بود، از کار فرمودن ماشینهای نو دهقانان  
 و استفاده نمودن تجربههای علمی تمام بی خبر و محسوم بودند.  
 حکومت تاجیکستان در این باره نیز یک تبدلات عجیبی بوجود آورد  
 در جلب نمودن عالمهای علم زراعت تشکیل کردن مؤسسههای علمی  
 زراعتی اگر انومی و تعمیم نمودن ماشینهای نو دهقانی، با کمال جدیت  
 کوشش کرد، و مردم تاجیکستان را در کار فرمودن ماشینهای دهقانان  
 و استفاده نمودن از تجربههای علمی زراعتی آماده نمود؛ امروز هزارها  
 دهقانهای تاجیکستان با ماشینها، تراکتورها زراعت میکنند، از تجربه  
 های علمی در کارهای دهقانی خود استفاده میکنند، کارهایی را که در گذشته  
 و ماهها میکردند، با یاری ماشین و علم، در مدت یک روز و دو روز میکنند  
 در زمان گذشته دهقانهای تاجیکستان از سود خورهای قرض  
 ها میگریفتند، و تنزیل بسیار میدادند، آخر از بارگران قرض براند  
 نتوانسته از زمینها و خانههای خود جدا میگرددند، همه را فروخته قرض



خود را ادا میگردند؛ حکومت تاجیکستان احتیاج مردم دهقان را  
در نظر گرفته یک بانک مخصوص برای دهقانها قرض دادن تأسیس نمود.

نمونه از عمارت های پای تحت جمهوریت رنجبران تاجیک



دهقان سرای: - بنائی است که از طرف حکومت رنجبران تاجیک برای تربیت دهقانان رنجبر ساخته شده است

و شعبه های این بانک را در همه جا در بین مردم دهقان تشکیل کرد،  
هیئت اداره این شعبه با از طرف خود دهقانها انتخاب کرده میشوند که  
با اصطلاح محلی «شرکت های قرض دهقانی» میگویند.



این بانگ بواسطه شعبه های خود هر سال میلیون ها مردم دهمقان  
 قرض میدهند، احوال اقتصادی دهمقان را در نظر گرفته مهلت ادای قرض  
 را تعیین مینمایند، و همچنین تنزیل را موافق احوال دهمقان سالانه از  
 صدی دو تا صدی شش میگیرد که برای تأمین نمودن مخارج مؤسسه بانگ  
 و شعبه های آن کفایت میکند.

در سالهایی که مبارزه انقلاب شدت کرده بود، بسیار عملداران،  
 دولتمندان، طرفداران اصول حاکمیت ثروتمندان، بافغانستان گریختند،  
 و از مردم سرحد نشین تاجیکستان براه تشویق و تحریک بسیار کسان را بخواج  
 بردند. رنجبرانی که بجاک افغانستان رفته بودند، بحکومت خود مراجعت  
 نمودند که باز بوطن خود آمدن آنها را تأمین نماید.

حکومت تاجیکستان در این راه تدبیرهای جدی کرد، قرارداد که  
 رنجبرانی که از افغانستان بوطن خود باز میآیند، بآنها باندازه کفایت  
 زمین داده شود برای درست کردن خانه و خریدن اسباب و همقانی  
 بآنها مبلغ ضروری داده شود و در تمام حقوق اداره مملکت آنها را  
 برابر و کامل المحقوق شمارید شود. در نتیجه یاری حکومت تاجیکستان



بسیار از رفته‌گان باز بوطن خود آمدند، هنوز در افغانستان قسمی مانده اند و همیشه کوشش میکنند که زودتر بوطن خود برسند. اما برای پس آمدن آنها در آن جانب مانع‌ها بسیار است. در باره ترقی و انکشاف کارهای و مقانی مملکت اقداماتی که حکومت شورائی تاجیکستان بکار برد ویرنگشید، نتیجه‌های نمایان بخشید، کشت مملکت در مدت پنج سال بیش از سه مرتبه افزود؛ خصوصاً کشت پنبه و کار پله ابریشم بسیار ترقی کرد، صادرات، چیزی که از تاجیکستان در دیگر جمهوریت‌های شورائی و ممالک خارج می‌برند سال از سال می‌افزاید.

پنبه، غله، ابریشم، محصول مال چارپاداری، میوه قسم عمده صادرات تاجیکستان را تشکیل مینماید. و مقانهای تاجیکستان از فروش محصول سعی خود میلیون‌ها میگیرند. حاصلات تاجیکستان هر قدر که افزاید همان قدر احوال عامه و مقان بهتر، در آیدش بیشتر میشود. در این باب تاجیکستان و عموماً جمهوریت‌های شورائی یک خصوصیتی دارند که در مملکت‌های غیر شورائی دیده نمیشود.



چنانچه در مملکت های غیر شورائی هر گاه زندگانی اقتصادی مملکت ترقی  
 کند. صنعت انگشاف یابد و دولت مندان دولت مند تر فقیران فقیر تر میشوند  
 تفاوت زندگانی بین دولت مندان و فقیران بسیار تر میشود. در جمهوریت  
 شورائی هر قدر که احوال اقتصادی مملکت خوب تر شود بهمان اندازه احوال  
 رعیت فقیر هم بهتر میشود. رنجبران کار تجارت مملکت را نیز به بزرگی  
 اساس تشکیل نمودند.

در زمان گذشته کار تجارت مملکت بدست تجارها، حناطها، جلاها  
 بود آنها کوشش میکردند که هر چه که از مردم بخرند ارزانتر بگیرند و هر چه  
 که بمردم میفروشدند قیمت تر بفروشدند. در این معامله خرید و فروش  
 مبلغ بسیار از جیب مردم بکیسه تجارها و حناطها میرفت.  
 حکومت شورای تاجیکستان از طرف دولت تجارت خانهها تشکیل  
 نمود و درین مردم بسیار شرکتها بوجود آورد که باصطلاح آن جا  
 «کاپراتیف» میگویند. و با این راه مردم را از پنجه تجارها، حناطها  
 خلاصی بخشید.

امروز مردم تاجیکستان هر چه که بفروشدند به تجارت خانههای دولتی



و شرکت با میفروشند، خرید را نیز از آنها میکنند، نرخ خرید و فروش  
مال با را از روی اعتدال تعیین میکنند، در این میان اگر فائده  
حاصل شود، در جیب دولت و شرکت های رنجبران میماند.  
تمام تجارت مهم مملکت بدست این تجارت خانه های دولتی و شرکت  
های رنجبران گذشته است. از این تدبیر حکومت تجار با، خا ط با  
دیگر و رنجبران خورسند اند.

در زمان گذشته تاجیکستان راه های منظم نداشت. اسباب  
نقلیات با کشتی بودن و آوردن مال با از شتر، اسب و خر تجارت بود.  
در بسیار جای های تاجیکستان از بی راه رفتن عراب ممکن نبود.  
بی راه، گرانی کرایگی از مانع های بزرگ ترقی و اقتصادی و مدنی  
تاجیکستان بود.

از روز تشکیل یافتن جمهوریت تاجیکستان حکومت رنجبران  
تاجیک در باره دست کردن راه با با کمال جدیت کوشش کرد  
و تمام مردم ب حکومت خود همراهی کردند. در نتیجه مساعی پنج ساله رنجبران  
تاجیکستان و مدد دیگر جمهوریت های شورایی این مملکت راه و نقلیات خود را



خیلی اصلاح کرد. و موفقیت های بزرگ را صاحب گردید، راه آهن  
 در مرکز در پای تخت جمهوریت تاجیکستان رسید، از آنجا راه آهن  
 را به سمت جنوبی میکشند، ساختن راه دوم میکند. در سایر جاهای  
 تاجیکستان خط راه آفتاب میل کشیده شد. آن خط ها با راه آهن  
 پیوست. در تاجیکستان نقلیات هوایی تأسیس یافت با خط منظم  
 هوایی بواسطه آیر بیلان با هواپیماها تاجیکستان با تمام جهان علاقه  
 گردید، در بین مرکز دولایت های تاجیکستان نیز خط راه هوایی تأسیس  
 یافت، کشتی رانی دریای امویر خیزی ترقی یافت.  
 امروز راه آهن، آیر بیلان ها، کشتی های بخاری دریای، آفتاب میل  
 و وظیفه نقلیات را در تاجیکستان ادا میکند، این همه وسایط در  
 در راه ترقی و نخبیران تاجیک خدمت میکنند.

در تاجیکستان اسباب مخابراته پوخته - تیلگراف، رادیا نیز تأسیس  
 گردید؛ و خیلی با زودی تعمیر یافت، نه تنها شهرها بلکه دهبه های بزرگ  
 تاجیکستان هم امروز دارای شعبه های پوخته و تیلگراف است. در سایر  
 جاهای تاجیکستان رادیا (بی سیم) کار میکند.



اولین راه آهنی که برای بهبودی زندگیانی صنف رنجبر در شرق  
ساخته شده است.



رسیدن راه آهنی به پایتخت تاجیکستان و استقبال نمودن رنجبران  
تاجیک اولین ماشینی را که به پایتخت ایشان رسیده است.



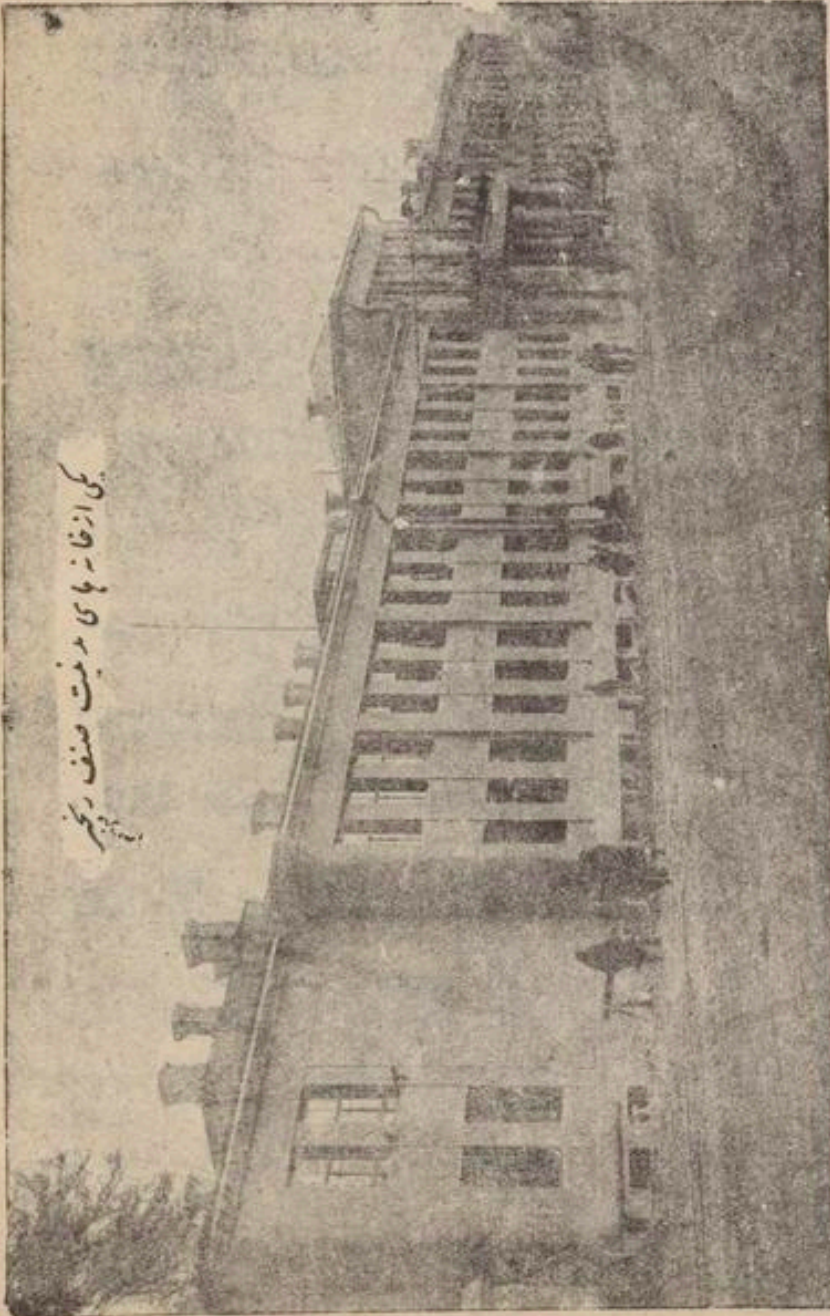
درست شدن راه با آسانی نقلیات ارزانی گرایه بردن و آوردن  
 مالها در زندگانی تاجیکستان اثر بزرگ کرد؛ امکان بخشید که رنجبران  
 تاجیکستان در تأسیس نمودن صناعت مملکت خود اقدام نمایند؛ در  
 مدت کوتاه کارخانه های: پنبه تازه کینی، روغن کشی، صابون سازی  
 استانسهای چراغ برق که ساخته شده است از میت عددی بیشتر است.  
 امسال در تأسیس فابریک بافنده گی بزرگ، کارخانه ابریشم، و بنای  
 استانس الیکتریک آبی که قوتش هزار اسب را دارا خواهد شد.  
 اقدام نمودند. صناعت تاجیکستان هم مثل کارهای زراعت اش  
 بایک زودی حیرت افزا ترقی میکند. برای اداره کردن راه های آهن  
 آیرپلان ها، فابریک ها از فرزندان رنجبران تاجیک، میخانیک ها  
 تیخنیک ها، ماشینست ها، مهندس ها حاضر میشوند.  
 در راه ترقی مدینت و معارف رنجبران، حکومت تاجیکستان همه  
 وسیله ها را استفاده میکند، کوشش میکند که هر چه زود رنجبران را  
 از تاریکی جهالت برداشته ببرد. این کار را یکی از وظیفه های اصلی  
 خود می شمارد.



معلوم است که در زمان حاکمیت دولت‌مندان بی‌علمی و نادانی مردم  
 این مملکت بدرجه آتھار رسیده بود. سه سال پیش از این در <sup>حکومت</sup> <sup>تاجیکستان</sup>  
 تحریر نفوس سرشماری مردم را اجرا نمودند. باین مناسبت معلوم  
 شد که در تمام دپه‌های تاجیکستان هفت هزار مرد و یکصد و هفتاد  
 نفر زن با سواد بوده است؛ در چنین حالت پیش بردن کارهای  
 معارف تاجچه اندازه مشکل است پز ظاہر است.

حکومت رنجبران تاجیک با یک عزم متین در راه پیش بردن  
 کارهای معارف قدم گذاشت. هر چیزی که در دایره امکان بود همه را  
 در راه معارف صرف رنجبر استفاده کرد. با مخارج بسیار از خارج  
 جمهوریت معلم با طلبید و با یک زودی فوق العاده از مردم تاجیک  
 معلم های بسیار رسانید. قسم مهم مخارج بودجه دولت را در راه معارف  
 تخصیص کرد. مخارج همه مکتب‌ها را از طرف دولت تأمین نمود. مصارف  
 خوردنی و پوشیدنی طلبه‌گازا از خزینة دولت داد. مساعی حکومت  
 ثمره کلی بخشید. شماره طلبه‌گانی که در مکتب جمهوریت شورانگ <sup>حکومت</sup>  
 مشغول تحصیلند، امسال به چهل هزار رسید!





یکی از خانه های مرمیت صنف رنجبر

بنای دارالعلوم رنجبران تا جیک ، درین بنا قریب کینزار نفر فرزندان صنف رنجبر در تحصیل علم و فن مشغولند .

بیش  
 بیان  
 لب  
 سافزا  
 رنجبران  
 بکنند  
 رنجبر  
 قوام  
 فانی  
 این  
 دانش  
 لب  
 سال



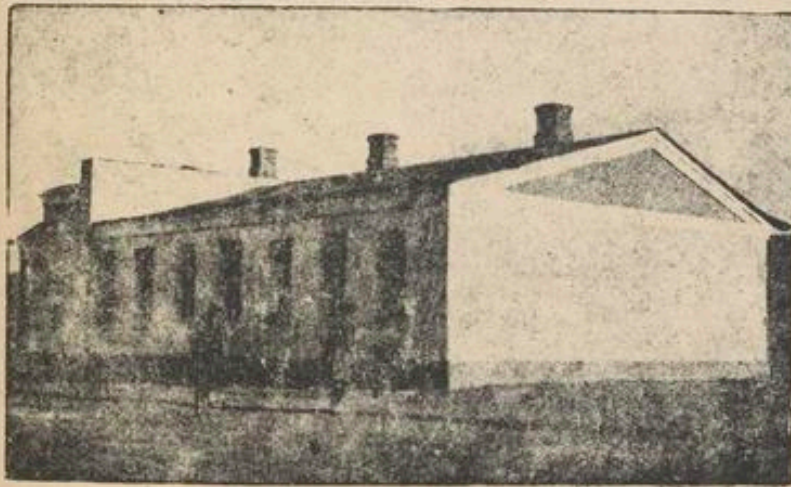
بیش از یک هزار طلبه تاجیکستان در خارج تاجیکستان در مکاتب  
 میانه و عالی با محتاج دولت مشغول تحصیلند ، در مکاتب عالی ز رحمت ،  
 طب ، مهندسی ، حقوق و غیره شماره طلبه گان تاجیک سال از سال  
 میافزاید ؛ این همه طلبه گان که علم و هنر کسب مینمایند ، همه از فرزندان  
 رنجبرانند ، مکاتب و معارف تاجیکستان برای تئور صنف رنجبر خدمت  
 میکند ، هر کس که صاحب علم و معرفت شد درین صنف رنجبر برای صنف  
 رنجبر کار میکند .

رنجبران تاجیک در تاسیس کارهای مطبوعات ، تألیف و ترجمه نیز  
 اقدامات بزرگ کردند ؛ بنام « اداره نشریات دولتی تاجیک » مؤسسه  
 تاسیس نمودند ، از طرف این اداره مطبوعه های مکمل بوجود آمد ؛  
 قابل ترین مؤلف و مترجم با از هر طرف طلبیدند ، در نتیجه علمی  
 این مؤسسه کتاب های بسیار بزبان فارسی - تاجیکی تألیف ، ترجمه  
 و نشر گردید . در هر یک از شعبه های علوم ، هندسه ، جبر طبیعی  
 طب ، جغرافیا ، تاریخ زبان و غیره کتابهای فارسی بوجود آمد ،  
 سال از سال دائره تألیف ترجمه و نشریات فارسی تاجیکستان وسعت می یابد .



نزدیک است آن روزی که در راه پیش بردن مدنیت و معارف تجزیه  
 پارسی گوی عالم، تاجیکستان رهبری کند؛ از مدنیت رنجبران تاجیک  
 ما نیز مستفید و بهره در گردیم.

حکومت رنجبران تاجیک تعلیم و تربیه فرزندان و دهقانان رنجبران از مهم ترین وظیفه های  
 خود می شمارد.



نمونه یکی از مکتب های که در دهه های دور دست تاجیکستان ساخته اند.

کار محفظه تندرستی پیش از تشکیل جمهوریت تاجیکستان تمام متروک  
 بود، حکومت امیر در این باره هیچ یک اقدامی نمیکرد و در نتیجه کوشش



پنجبران تاجیک امروز همه شهرها و دهه‌های بزرگ تاجیکستان  
 دارای شفاخانه‌ها و دواخانه‌ها است؛ آخرین تجربه‌های طبیبی  
 و جراحی عصر حاضر در شفاخانه‌های تاجیکستان بعمل گذشته شده  
 معالجه و تدوینی همه بیماران رنج‌ساز از طرف دولت رایگان کرده میشود.  
 شماره بیماری‌های گذرنده، بیماری کودکان سال از سال کم میشود.  
 حکومت شورایی تاجیکستان در ضمن حل نمودن مسأله‌های  
 اقتصادی و مدنی در تسویه مسائل ملی و اجتماعی نیز اهمیت بزرگ داد  
 مبارزه و محاربت بین ملت‌ها را با باشتی و برادری ملی مبدل ساخت.  
 پنج یک مردم تاجیکستان غیر تاجیک اند، بملت‌های اوزبک  
 تورکمان، قرغیز و غیره منسوبند، پنجبران این همه ملتها در اداره مملکت  
 برابر همراهی میکنند، در راه برداشتن احوال اقتصادی و مدنی هم  
 با برادران تاجیک خود برابر کوشش میکنند. از همه موفقیت‌های مملکت  
 برابر استفاده میکنند؛ جدائی دین و ملت به اتحاد صنفی باشندگان  
 تاجیکستان پنج تأثیر و تفاوتی نمیکند، حتی پنجبرانی که از مملکت‌های غیر  
 شورایی به جمهوریت تاجیکستان آمده اند و می‌آیند، آنها را نیز شریک



دولت می‌شمارند، آنها نیز در انتخاب حکومت تاجیکستان اشتراک  
 میکنند، از رنجبران ایران، افغانستان و هندوستان بسیار کسان  
 هستند که عضو حکومت تاجیکستان اند؛ در اداره کردن جمهوریت با برادران  
 تاجیک خود همراهی میکنند، قسمی از آنها در کارهای زراعت و صنعت  
 مشغولند، قسمی در مکاتب شورایی تحصیل علم میکنند، تاجیکستان را  
 وطن صغفی خود میدانند، با کمال آزادی و خوشنودی زندگی می‌کنند.  
 در نتیجه تدبیر و سیاست حکومت تاجیکستان در بین همه ملت ها  
 یک دوستی و برادری صمیمی قایم گردید.

در مسئله تربیت و حقوق زنان موفقیت های تاجیکستان نیز بسیار  
 در زمان گذشته زنها را مثل مال میخریدند، میفروختند، زن از همه  
 حقوق انسانی محروم بود، زن را تنها آلت عیش و عشرت میدانستند.  
 حکومت شورایی تاجیکستان بخلاف این عادت و این عقیده  
 مبارزه سخت کرد، در تمام مسائل اقتصادی، ادنی و سیاسی زن را  
 یک عضو کامل الحقوق مملکت شناخت؛ در انتخابات شورایی و اداره  
 مملکت زن های رنجبران تاجیکستان با مردان برابر همراهی میکنند.



در بای مکاتب و مدارس تاجیکستان برای زنها تمام گشاده است  
 از زنه‌های رنجبر تاجیک معلمه با محوره با و راهبران اداره مملکت رسیده است  
 در تاجیکستان قبل از رسیدن به سن معین نکاح کردن، بی رضای  
 دختر او را بشوهر دادن، در بالای یک زن دیگر گرفتن ممنوع است.  
 در جمهوریت تاجیکستان زن یک عضو آزاد و صاحب حقوق جمهوریت است.  
 شرح کامیابی بای تاجیکستان را با این قدر اختصار میکنیم.  
 خوانندگان گرام آنهایی که احوال گذشته تاجیکستان را میداندند  
 خواهند گفت: معلوم است که تاجیکستان یک مملکتی بود پس مانده،  
 مردش فقیر و ناتوان، در نتیجه فارت و تاراج با سینه چها. طرفداران  
 اصول حاکمیت امیر باز خراب تر و مردش فقیر تر گردید؛ دخل این مملکت  
 بجز جش البته کفایت نمیکند، این همه کامیابی بای بزرگ که بدون  
 مخارج میلیون ها میسر نمیشود، برای تاجیکستان فقیر چگونه میسر گردید؟  
 این سوال طبیعی است.

معلوم است که تاجیکستان جمهوریت اجتماعی شورائی است، بواسطه  
 او تاجیکستان در - اتفاق جمهوریت‌های شورائی - دخل گردیده است. و جز



اتفاق جمهوری های شورایی میباشد . « اتفاق » جمهوری های شورایی  
 به جمهوری تاجیکستان هرگونه معاونت مادی و معنوی را مبذول داشت .  
 در مدت پنج سال گذشته از خزینة مشترک « اتفاق » مبلغ پنجاه میلیون  
 روبل به تاجیکستان معاونت نمود . معاونت « اتفاق » در باره تاجیکستان  
 سال از سال میافزاید . چنانچه برای مصارف سال جاری سال ششم  
 زندگانی جمهوری تاجیکستان چهل میلیون روبل معاونت میکنند ، غیر  
 از این مصارف ساختن راه آهن و تامین مخارج عسکر نیز از خزینة مشترک  
 « اتفاق » پرداخته میشود . در نظر خواننده باز یک مسئله پوشیده  
 میماند ، خواهد پرسید :

رنجبران تاجیک که از مدنیّت دور بودند ، پس مانده بودند ، این  
 همه مبارزه های صنفی را چگونه اداره نمودند ، غالب آمدند و در جمهوری  
 خود چنین یک اصول اداره مدنی و صنفی را برپا نمودند ، و این همه <sup>فقیه</sup> ~~مرد~~  
 با را بدست آوردند ؟

اگر خواننده دقت کرده باشد در صحیفه های گذشته ما نشان دادیم که  
 در مورد انقلاب ادکتا بر راهبر صنف رنجبر فرقه بالشو یک کامونیست بود



انقلاب او کتابه باراهبری این فرقه بوجود آمد و حاکمیت شورائی رنجبران  
 باراهبری باشوکیک با تشکیل یافت. سی سال است این فرقه در راه  
 آزادی رنجبران و ملت های مظلوم کار میکند، در هر جا که صنف رنجبر بیدار  
 و هوشیار میشود و درین آنها گرده انقلابی پیدا میگردد، آن گروه انقلابی  
 رنجبران فرقه باشوکیک کامونیستی را بوجود میآرند.

از رنجبران فعال و انقلابی جمهوریت تاجیکستان بسیار کسان هستند  
 که در فرقه باشوکیک کامونیست داخل گردیده اند. تشکیلات این فرقه  
 عالم شمول در همه جای تاجیکستان موجود است. باراهبری این فرقه این  
 تشکیلات، رنجبران تاجیک در راه انقلاب مبارزه کردند نصرت یافتند  
 حاکمیت صنفی خود را برپا نمودند. امروز بر وجه رسیده اند که جمهوریت  
 تاجیکستان یکی از جمهوریت های مستقل به اتفاق میشود، انجمن سوم  
 شورا های تاجیکستان قرار گذاشت که تاجیکستان از جزء جمهوریت  
 اوزبکستان بپراید، بواسطه در اتفاق جمهوریت های شورایی داخل گردد.  
 بنابراین بعد از این موقع تاجیکستان بزرگتر و همیشه بیشتر خواهد شد  
 تاجیکستان در سلسله جمهوریت های مستقل شورایی یک عامل بزرگ



دنی و انقلابی خواهد گردید .

x x

کامیابی هائی که تا جیکستان را میسر گردیده است ، جزئی است از کامیابی  
 هائی که تمام ملت های مقیم جمهوری های شورائی را نصیب گردیده است .  
 اوزبک ها ، تورکمان ها ، قرغزها ، قزاق ها و دیگر ملت های که در  
 خاک شورایی زندگی میکنند ، هر یک جمهوریت مستقل و مختاری را مالک اند  
 هر یک در راه اقتصاد مدنیّت موفقیت های بزرگ بدست آورده اند .  
 هر گاه سرگذشت این ملت ها را ملاحظه کنیم و با سرگذشت مردم هندوستان  
 ایران و افغانستان اندازه کنیم یک مشابهت و یک رنگی بسیار نزدیک را  
 مشاهده خواهیم کرد . چه شد که باشندگان جمهوریت های شورایی در راه  
 آزادی و استقلال چنین کامیاب گردیدند ، مردم هند ، ایران و افغانستان  
 از این کامیابی ها محروم اند ؟ آیا استعداد و قابلیت فطری  
 مردم هند ، ایران و افغانستان ناقص است ؟

ما هیچ گاه چنین گمان نمیکنیم ؛ عقیده کامل داریم که اگر شرایط موافق  
 فراهم آید ، باشندگان هندوستان ، ایران ، افغانستان هم با یک



زودی حیرت بخش ترقی خواهند کرد. اما تاثیر و نفوذ خارجی امکان  
 نیابد که شعرا بطی که برای سعادت این مردم لازم است فراهم آید.  
 و اینجاست که گوئیم: آزادی و استقلال مردم مستملکه با و نیم مستملکه با بحث  
 پریشانی دولت های سرمایه داران است؛ آزادی و استقلال مردم هندوستان  
 ایران و افغانستان خرابی و پریشانی دولت سرمایه داران انگلیس را  
 سبب خواهد شد؛ چونکه شوکت و حشمت دولت سرمایه داران انگلیس را  
 مردم رنجبر و کارگر هند، مصر، ایران و افغانستان تأمین میکنند، هندوستان  
 پس مانده و فقیر خزینة بریطانیای عظمی را پر میکند، و بهمان مصر و هند  
 نیم گرسنه نیم برهنه زندگانی میکنند، از رنج و سعی آنها دارائی دولتند  
 بریطانیای میافزاید.

از این است که سرمایه داران انگلیس میگویند: مردم هند هنوز بدتر  
 نرسیده اند که خود را خود اداره کنند؛ از این است که سرمایه داران  
 انگلیس دشمن استقلال مردم مصر، ایران و افغانستان اند.  
 یکی از مثالهای نزدیک سرگذشت یکساله افغانستان  
 وطن من یک دوره مهم تاریخی زندگانی خود را میگذراند:



۱- در افغانستان زندگانی کهنده با زندگانی نومبارزه میکند ،  
 ترقی کارهای معارف ، انکشاف تجارت ، تاسیس صناعت ، مرکزیت اداره  
 مملکت ، خواهش تجد وخواهان افغانستان خواهش زندگانی نو است ،  
 کهنده پرستان این همه را نمیخواهند ، مقابلت میکنند .

۲- در افغانستان ملتهای گوناگون افغان ، تاجیک ، هزاره ، اوزبک ،  
 تورکمان زندگانی میکنند ، خیریت مردم افغانستان اقتضا میکند که در بین این  
 ملت ها یک برادری و برابری قائم باشد ، در کار اداره مملکت همه برابر شریک  
 باشند ، یک ملت حاکم دیگر محکوم نباشد ، یکی بد دیگری ظلم نکند .

۳- اکثریت مردم افغانستان دمهقانانند ، سعادت افغانستان اقتضا میکند  
 زندگانی مردم دمهقان بهتر و خوشتر شود ، خراج و مالیات دمهقانی سبک شود ،  
 بمردم دمهقان خصوصاً به قسم فقیر و محتاج آن هرگونه معاونت و یاری داده شود ،  
 تمام کارهای مملکت چنین اداره و اجرا کرده شود که عامه مردم دمهقان راضی باشند .  
 بدستی حل گردن و فیصل یافتن این سئله ها نیک بختی و سعادت مردم افغانستان  
 را تأمین میکند ، استقلال افغانستان را قوی میگرداند .

دولت انگلیس دشمن استقلال افغانستان است ، بنا برانگوش

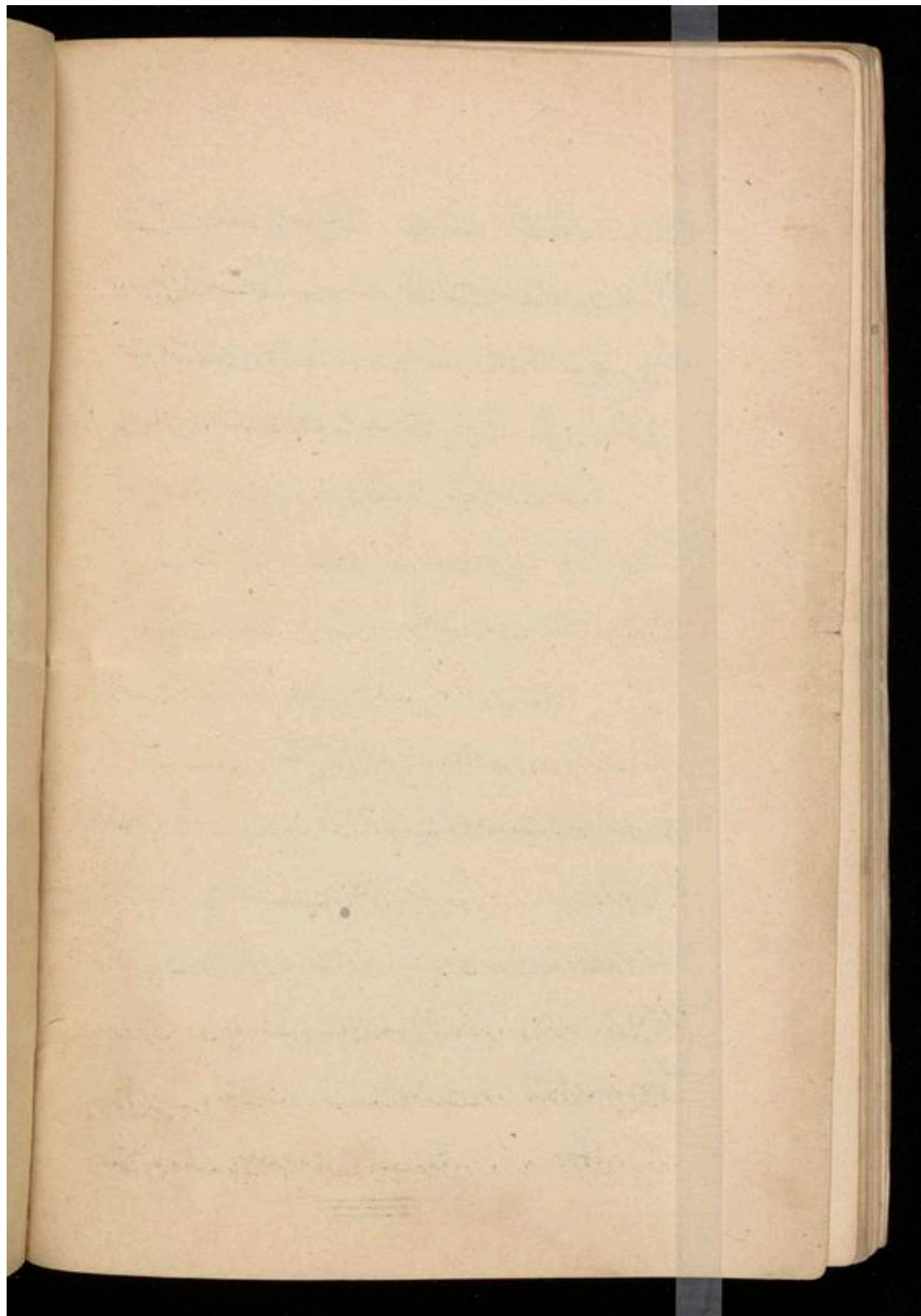


میکند که این سئله با مغلن پیچیده و ناتمام ماند، تا اینکه ماده و سبب بنا بر  
در داخل افغانستان بر دوم باشد، افغانستان ضعیف ناتوان باشد استقلال  
حقیقی افغانستان بوجود نیاید؛ از این است که دولت انگلیس خوزیزی جنگ  
های داخلی افغانستان را طالب است، گاه به یکی گاه به دیگری مدد میکند؛  
آتش فساد را بلند میکند، آخر هر یک را فریب میدهد.

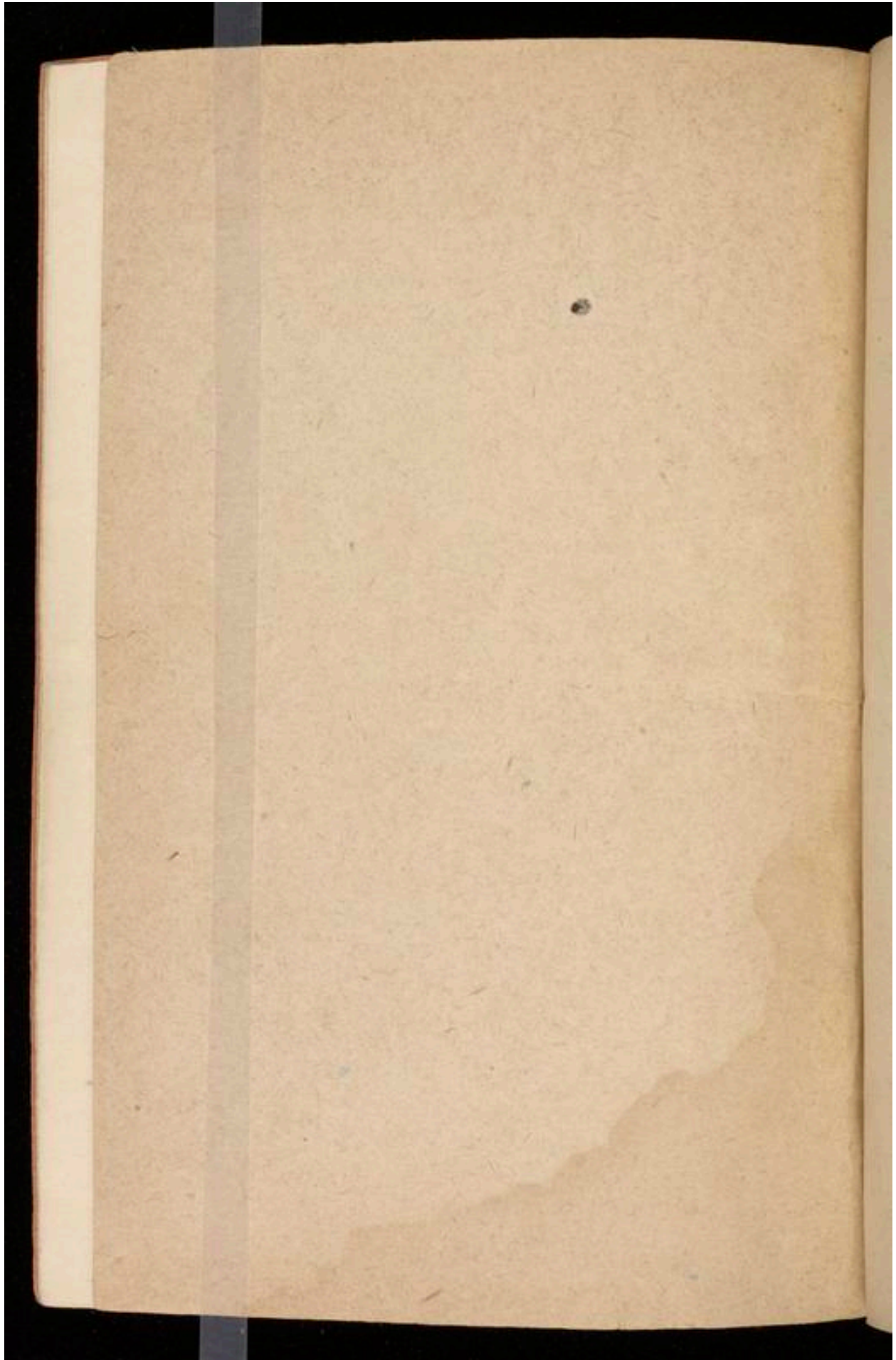
سرگذشت تاریخی عربستان، هندوستان، تورکیه، ایران و افغانستان  
را با نگر دقت ملاحظه کنید، می بینید که در هر موقعیکه فلات و پریشانی بر این مملکت  
رسیده است، دست و دسیسه انگلیس کار کرده است.

انقلاب اوکتاب و تشکیل یافتن جمهوریت های شورائی در سیاست دنیا یک  
انقلاب بزرگ انداخته است؛ فرقه بالشویک - کامونیست و جمهورتیه های شورائی  
در راه آزادی و استقلال ملت های مظلوم تاثیر بزرگی دارند، هر روز که میگذرد عقده  
و کجاستی ملت های مظلوم با اتفاق جمهوریت های شورائی و فرقه کامونیست  
میا فراید، در هر جاست کیلات های انقلابی قوت میگیرد، و روز نجات ملت های مظلوم  
نزدیکتر میشود، شبنه نیست که سرگذشت تاجیکستان وجود اتفاق جمهورتیه های شورائی  
صنف با ملت های مظلوم جهان را به یک زندگانی نو و آزاد رساند خواهد کرد.











Orient Verlag (G. m. b. H.)  
Berlin S. 14  
Alexandrinenstr. 62

---

*J. S. [unclear]*

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**